

بسم الله الرحمن الرحیم

حسب الامر سرکار نواب مستطاب اشرف ارفع امجد والا
حشمة الدوله امیر جنگ روحی فداه کیفیت جنگ وجدال [illegible]
این بنده کول نل جولیس بالج انگلیس که خود هم در این جنگ حضور
داشتم بدستیاری آقا میرزا جان کاشانی از کتاب انگلیس بزبان
فارسی ترجمه نمودیم ومشتمل است بده فصل فی سنه ۱۲۸۰ فصل اول

هنگامیکه

هنگامیکه بواسطه حوادث فلکی اسباب جنگ و
جدال میان دولت روس وروم اتفاق افتاد
وسایر دول خارجه کمال جد وجهد را نمودند که
شاید ما بین دولتین مزبورتین بصلح انجامد و آتش
چنین فتنه بزرگ بالا نگیرد طرفین قبول ننمودند
ودر بیست ششم ماه ژوان سنه ۱۸۵۳ مسیحی نیکلا
امپراطور روس اعلان نامه دولتی نوشته بجمیع
دول فرنگستان وغیره فرستاد که بجهة آنکه دولت
روم مستاصلا خواهش وحرف ما را قبول کند
لابدیم قشون دولتی مامور نموده تا دو مملکت خا

مول داوی وولاکی راکه سرحد دولت روم است
واز خود حکم ران مخصوص دارد و در اداره دولت
روم میباشد تصرف نموده کرونکاه داریم در
دوم ژولیه سنه ۱۸۵۳ مسیحی ژنرال دانبرک
باتفاق یک دویزیون که مقدار بیست هزار لشکر
از جانب سنی الجوانب امپراطور نیکلا مامور شده
واز نزدیکی شهر جاسی از رودخانه پروت گذشته
داخل مملکت مول داوی گردید و پس از رسیدن
اعلان نامه دولت روس و خبر تصرف مملکت
مول داوی بدولت روم اجماع عامه خلق از علما

واعیان

واعیان و رعایا در مساجد و غیره گردیده
وفحول علمای انجا حکم بجهاد اکبر نمودند و هر
قدر سایر دول اروپا خواهش صبر و تامل
نمودند که شاید ما بین بصلح انجامد سلطان
عبد المجید پادشاه دولت روم بواسطه
بلوای خروش و میلی که بجهة قتال و جهاد
داشت نتوانست قبول نماید ناچار در
پنجم اکتبر سنه ۱۸۵۳ مسیحی اعلان نامه جنگ را
مهر نموده عمر پاشا که از سایر سرداران
رومی مشهور و معروف و رشید تر

بود سردار کل قشون دولت عثمانی شده
وخود مشار الیه مامور بولداوی کردید
قبل از حرکت نوشته بسردار کل دولت روس
نوشته که از حال التحریر الی پانزده یوم دیکر
باید مملکت مولداوی را بکلی تخلیه نموده وا
بکذارید سردار کل دولت روس هم بهیج وجه
اعتنائی بنوشته ننموده مولداوی را هم وا
نکذارد و عمر پاشا نیز شهر شوملا را که
در مملکت بولغاری در مابین کوه بالاخان
و رودخانه دانوب واقع است اول نقطه جنک

قرار داده چهار دویزیون لشکر از چهار نقطه
مختلفه مامور نموده از رودخانه عبور نمودند
وموافق غلبهٔ جنکی لازم بود که عمر پاشا با
یکصد و بیست هزار نفر قشون چهار صد
میل از رودخانه دانوب را که صد فرسنک
باشد مدافعه و نکاهداری کند و در طول
این رودخانه چند نقطهٔ عمده و اصلی بود که
در صورت نکاهداری و حراست آنها سایر
نقاط نیز محفوظ و محروس میبودند چنانچه
از روی نقشه معلوم میشود در سمت جنوب

نقطه یکی ودین در جنوب و دیگری کالافات
در شمال و در مرکز تقریباً دو نقطه سلیستِ
ری و رُستجوك در جنوب و در سمت راست
نقطه گالاتس در شمال رودخانه واقع بودند
و در دویم ماه نوامبر دو پیزبون اول قشون
دولت عثمانی که مشتمل بر چهار هزار نفر بودند
از رودخانه دانوب از محاذی تورتکای عبور
نموده اول طلوع صبح بمنزلگاه رسیدند تا
دو ساعت قبل از ظهر سنگر فوری بجهة
حفظ خود از آسیب دشمن بنا نمودند و در حین

عبور از رودخانه و سنگر ساختن توپخانه
روس که در جنوب رودخانه واقع بود و
مشرف بسمت شمالی بود مشغول بتیراندازی شده
و رومی باجلادت تمام از زیر آتشخانه و
گلوله روس عبور نموده سنگر میساختند
و در آنهنگام گورچکاف سردار لشکر روس
یك دو پیزبون از قشون که مرکب از هشت هزار
پیاده و بیست عراده توپ و قدری سوار
قزاق بود بسمت سنکر رومی مامور نمود و
فی الفور منقسم بچهار قسم شده و از چهار نقطه

بنای جدال و نزاع را گذاردند بعد از زحمات
بسیار شکست فاحشی خورده عقب نشستند
و روز بعد سردار روس بر قشون و توپخانه
روز قبل افزوده بگرفتن سنگر مأمور
نمود و در همان شب عمر پاشا نیز بجهة
قشون سنگر خود کمک روانه نموده بود مجددا
بنای نزاع را گذارده قشون روسی شکست
خورده مراجعت نمودند و عمر پاشا بگمان
انکه از قوه و استعداد سایر نقاط جنگ
خود کم و کاست نماید بر قوه این نقطه افزوده

تا عدد قشون سنگر هیجده هزار نفر رسید
در روز سیم سی هزار نفر از قشون روسی
بسنگر یورش برده در حالتیکه اتش سمت
چپ از توپخانه و اتش اهل سنگر مثل باران
بر سر انها می بارید مع هذا جلادت و رشادت
نموده بسیاری از ایشان کشته گردید تا
خود را بخاک ریز سنگر رسانیدند پس
از ان رومی از سنگر خود ناچار بخاکریز
امده با نیزه پیش روسی را بیرون نموده
شکست دادند در این یورش هزار نفر روسی

و بیست نفر رومی کشته گردیده بود از این
دو زنانه روز بعد روسی دیگر جرئت
نزاع نموده دفع خستگی خود می‌نمودند
مجدد ابن جمعیت سابق خویش افزوده بر
سنگر یورش برده شکست خورده عقب
نشستند از این شکستهای پی در پی روسی
رومی جری و جسور شده از حالت مدافعه
تجاوز نموده روسی را تعاقب نمودند تا به
شهر اکتانیتسا رسانیده و اطراف شهر را
تاخت و تاز بسیار کرده بدون آنکه چیزی

از ایشان تلف شود خود را نیز به سنگر رسا
نیدند چند یوم بعد اسمعیل پاشا باتفاق
چهار هزار نفر رومی از رودخانه دانوب از
محاذی ویدین عبور نموده و شهر کالافات
و کالاوراش را تصرف نموده و پس از چند روز
دیگر خود عمر پاشا بدون آنکه روسی از
خیالات او مطلع باشد غفلتا از رود
خانه عبور نموده شهر ماشچین را که از
توابع دبروث شامی باشد و سیصد میل
از شهر کالافات دور است تصرف نمود و هم

چنین قشون روس را که میخواستند جلوتر
امده و در حرکت بودند ممانعت نموده شکست
داد پس از این تمام رودخانه دانوب را تصرف
نمود نزاع و جدال با این درجه رسیده بود
که قضیه هولناکی در نقطه دیگر بجهة
دولت روم روی داد و ان قضیه این بود
که در سیم ماه نوامبر سیزده عدد کشتی
کوچک جنکی رومی در بندر سنوب که در
قره دنکیز است در لنکرگاه بوده که ناگهان
شش کشتی بزرک و پانزده کشتی جنکی کوچک دولت

روس از بندر سواستپل از جوف ابر هویدا
و بنای اتش باریدن را کذارد بقسمیکه در
مدت هشت ساعت جمیع سیزده کشتی
رومی شکست خورده ضایع شد مکر
دو کشتی و پنج هزار نفر از ایشان تلف شد
و عثمان پاشا دریابیکی رومی را با بدن مجروح
و زخمی از جوف دریابیکی روس محبوسا به
سواستپل فرستاد بعد از شش هفته در
انجا وفات یافت پس از رسیدن این خبر
وحشت اثر به ممالک اروپا دولتین بهیتین

انکلیس و فرانسه کشتیهای جنکی از قرار
تفصیل بقره دنکز مأمور نمودند دولت
انکلیس چهل و نه کشتی بزرك و کوچك که
مشتمل بر هزار و هفتصد و یك عراده توب
بود و دولت فرانسه بیست و شش کشتی
بزرك و کوچك که مشتمل بر هزار و یکصد
و بیست عراده توب بود و در سیم ژانویه
سنه ۱۸۵۳ وارد قره دنکز کردیدند اما کیفیت
مقدمه نزاع رودخانه دانوب در بیستم
دسامبر بندر قره قول را که واقع در رودخانه

الونا بود رومی بقهر و غلبه از روسی کرفت
و چون مملکت دبروتشا که شهر ماشچین
یکی از ولایات او میباشد از سمت شمال
متصل برودخانه دانوب و از سمت مشرق
بقره دنکز است و زمین او اندك از سطح دریا
و رودخانه عمیق تر است بدین واسطه
همیشه باتلاق و مرداب و هوای او
متعفن است و عمر پاشا بعد از ممانعت
لشکر روس را از حرکت در این خاك و
استیلای تمام رودخانه و مملکت ماتشچین را

ملاحظه نمود که در صورت نگاهداری
و ماندن در این نقطه قشون خود را به
تدریج بدون آسیب دشمن بواسطهٔ
تعفّن هوا تلف مینماید بنابراین چنین
مصلحت دانسته که بکلّی ما تشچین را واگذار
و جان قشون خود را بسلامت بیرون برده
بشو ملا مراجعت نمود و ژنرال اسپتن ساکن
با جمعیّت ابواب جمعی خود که عمر پاشا با او
نزاع نموده و مانع از حرکت او شد مجدداً
مملکت دبروت شا را تصاحب نموده و تا آخر

مدت نزاع سواستپل قریب نبی هزار نفر
بواسطهٔ تعفّن هوای ما تشچین تلف شده و
این یکی از تدبیرات عمر پاشا بود سنهٔ ۱۸۵۳ مسیحی تنها
رسید اوّل ماه ژانویه سنهٔ ۱۸۵۴ پرنس گرچاکف
ژنرال فیش پاک را باتفاق دو نفر ژنرالهای
دیگر که یکی انگلهارت و دیگری بله گارد بود
و در تحت حکم فیش پاک بودند با پانزده هزار
لشکر مأمور نمود تا قشون رومی را از شهر کالافات
بیرون نمایند پس از رسیدن قشون روس
بقریهٔ چتات مشاهده نمودند که رومی از کالافات

هم گذشته و تعدی نموده بانیقریه آمده است و
قلعهٔ فوری نیز بجهة خود بنا نموده و اردو زده
اند ژنرال فیشر یال چنین دانسته و فهمیده که
با این پانزده هزار نفر لشکر خود نمیتوانند روسی را
از سنگر خود خارج نموده استیلاء بهم برسانند
و در مجلس شورای جنگ چنین مشورت نموده
و مصلحت دیدند که تا سیزدهم شهر ژانویه
که اول سال روسی میباشد جنگ ننموده و
صبر نمایند و پرنس گورچاکف نیز چنین قرار داده
که تا سیزدهم ماه بشود بقدری کمک فرستاده

که عدد قشون روس در این نقطه بچهل و پنج
هزار نفر برسد این وقایع و اخبار باحمد پاشا
و اسمعیل پاشا ژنرالهای رومی در شهر کالافات
رسید آنها نیز چنین مصلحت دانستند که
تا آن روز صبر ننموده سبقت در نزاع جویند
بنابراین طلوع آفتاب روز ششم ماه ژانویه
از شهر کالافات باتفاق پانزده عراده توپ
سبک و ده هزار نفر پیاده نظام و چهار هزار
نفر سواره نظام و هزار نفر سواره غیر نظام
که مسمی به باشی بازوق میباشد بیرون آمده

وعمر پاشا نیز سه هزار نفر از شهر ویدن
بکالافات فرستاده تا نکاهداری از آسیب دشمن
نمایند و اسمیعیل پاشا باتفاق سه هزار نفر
در قریهٔ موکلویدیر که در ما بین کالافات و
چیتات واقع است بجهة معاون ماند و
سه ساعت قبل از ظهر رومی بچیتات رسیده
شروع بجدال نمودند پس از سه ساعت دعوای
غیر نظامی بواسطهٔ باغات بسیار و موانع
دیکر قشون روس خود را بقلعهٔ فوری که
در قریهٔ مزبور بنا نموده بودند کشیده سنکری

شدند رومی با وجود کثرت آتش باطریهای خود
و یورش پیاپی سربازان نتوانستند سنکر را
از روسی بکیرند و در این بین از سمت راست
رومی غفلتا کمک بجهة روسی رسید بنای
نزاع را با رومی کذارده شکست خوردند و در
این هنکامه اسمیعیل پاشا با قشون معاون
از موکلویدیر رسیده دولشکر رومی خود را
جمع آوری نموده باتفاق بر سنکر روسی
یورش برده سنکر را با انضمام چهار عراده
توپ و تمام قورخانه از روسی کرفتند و در

اندعوا دو هزار و چهار صد نفر از روسی
کشته و دو هزار و پانصد نفر هم زخمی شده
بود و از قشون رومی دویست نفر کشته
و هفتصد نفر زخمی کردیده بود بعد از تصاحب
و تسخیر سنکر دو روز رومی سنکر را نکاه
داری نموده و روسی مکرر خواستند که
سنکر را بقهر و غلبه بکیرند نتوانستند
تا انکه رومی از سنکر بیرون امده بر روسی
یورش برده ایشانرا تا شهر کراجوه تعاقب
نمودند و قشون رومی با کمال ذوق و شعف

خودرا

خود را بشهر کالافات رسانیدند دران
وقت قشون رومی در شهر کالافات مرکب بود
از بیست و پنج هزار نفر جنکی ساخلو و دویست
و پنجاه عراده توپ بزرك این بود تفصیل دعواهی
جزئیات که مذکور شد و بعد از انکه دول
اروپا این نوع رشادت و شجاعت را از رومی
دیدند در تحیر ماندند **فصل دویم**
بعد از سعی و جهد بسیاری که دولتین بهیتین
فرانسه و انکلیس نمودند در صلح فیمابین رومی
و روسی و اخر ممکن نشد پس از ان لابد مصلحت خود را

چنین داشته که جانب روسی را نگاه داشته با
روسی نزاع نمایند متفقا اعلان نامهٔ جنگی را
نوشته فرستادند و در بیست و دوم ماه فوریه
قشون دولت انکلیس حرکت نموده بسمت اسلامبول
روانه گردید و باید ذکر نمود که کشتیهای جنگی
بزرك و کوچك از این دو دولت بدریای
بالتیك که در سمت شمال واقع و پتربورك
نیز در کنار این دریاست چهل و سه کشتی
که حامل دو هزار و پنجاه عرّاده توپ بود
از انکلیس رفته بود و سی و یك کشتی جنگی که

حامل یك هزار و دویست و پنجاه عرّاده توپ
بود از فرانسه رفته بود در ابتدا خیال
دولت انکلیس این بود که بیست و پنج هزار
نفر کمك بجهة رومی کفایت میکند ولی
بعد از این خیال منصرف شده قرار دادند
که پنجاه هزار نفر کمك بجهة رومی مامور کنند و
سرداری کل لرد رگلن که در دعوای با
ناپلیان اول مشهور به بنی سولیر بسیار
جنك ازموده و کامل شده بود و در میان
سایر سرداران انکلیس برگزیده و پسندیده تر

ومطبوع قشون اتفاق افتاده بود مفوض داشته
واین پنجاه هزار نفر قشون را بشش قسمت نمودند
که هریك ازاین اقسام را باصطلاح نظامی دویزیون
مینامند پنج دویزیونش پیاده نظام بود و یك
دویزیون سواره نظام وهریك را سپرده و ابواب
جمع یك ژنرالی نموده بودند بقرار تفصیلی که مذکور
میشود دویزیون سبك پیاده نظام ژنرال
سرجادج بروون ژنرال دویزیون اول جناب
دوك دكامبرج ژنرال دویزیون دوم سر د
لیسی اونس ژنرال دویزیون سیم سر ریچرد انگلاند

ژنرال دویزیون چهارم سر جادج كاث كارت
و ژنرال دویزیون سواره لارد لوكان بود
ودر تحت اطاعت این ژنرالها چند ژنرال
دیگر که بهترین صاحبمنصبان انگلیس بودند
بقرار تفصیلی است که مذکور میشود سر كولن
كامبل لارد كاردیگان ژنرال اسكارلت
ژنرال پنفادر ژنرال تیلدن ژنرال استراین
اونز ژنرال كولدیی وامپراطور فرانسه
هفتاد و پنج هزار نفر از قشونیکه در دعوای
الژری بودند وبهواهای گرم و سرد عادت

داشتند و کار کشته و جنگ آزموده بودند

مأمور نمود و سردار کل این قشون مارشال

سنت ارنو که از دوستان عزیز امپراطور

بوده از وزارت جنگی استعفا نموده سردار کل

شده روانه شد و اسامی ژنرالهای فرانسه

از قرار تفصیلی است که مذکور میشود ژنرال

کانروبر ژنرال ژنرال بسکه ژنرال پرنس ناپلیان

ژنرال پلیسیه ژنرال نیل بعضی دیگر از سرکردگان

فرانسه که در دعوای الژری معروف و مشهور

گردیده بودند در شورا دولتین بهیتین ابتدا

چنان مصلحت دیدند که چون رومی از عهدهٔ

نگاهداری سرحد خود که در سمت دانوب است نمی

تواند برآید و روسی از سرحد ایشان یعنی از کوه

بالاخان تجاوز نموده محاصرهٔ اسلامبل را

خواهد نمود بنا بر این میباید قشون متحده

از تنگهٔ داردانل که مابین دریای مدی

ترانی و دریای مارمرا است گذشته بشهر

کالی پولی فرود آیند از انجا از سمت راست

اسلامبل جلو راست قشون روس را برید

نگذارند که محاصرهٔ اسلامبل اتفاق بیفتد

وقبل از حرکت قشون ژنرال سرجان برگاین
مهندس اول دولت انکلیس مأمور اسلام
بل نمود که انچه لوازم استحکامات و تعمیرات
قلعه جات بوده باشد نموده ولی بعد از این که
بتواتر خبر فتحهای نمایان و رشادت سربازهای
رومی رسید و معلوم شد که از عهده نگاهداری
سرحد خود بر می اید از این خیال منصرف شدند
و توقف قشون را در کالی پولی مصلحت دیدند
و قرار دادند که از تنکه بوسفور کذشته داخل
قره دنکز شوند و در بندر وارنا که یکی از بندرات

این

این دریاست و متعلق بدولت روسیست
بروند و در انجا از سه قسم حرکت هر کدام که
مصلحت باشد بکنند و ان سه حرکت این بود
که یا بعمر پاشا در سرحد دانوب کمک بدهند
و عمده دعوا را در انسمت قرار بدهند و یا
انکه بشهر ادسه که نیز متعلق بروسی می
باشد بروند و مسخر کنند و یا انکه بروند به
مملکت کریم که پای تختش شهر سباستپل است
بکیرند و بین حرکت قشون از کالی پولی بسمت
وارنا کشتیهای جنکی دولتین متحد در قره

دنکیزی فتح اول خود را نمودند و تفصیل ان از این
قرار است که در بیست و دویم مارس سنه ۱۸۵۴
مسیحی کشتیهای جنگی دولتین پادشه که بندر
تجارتی دولت روس میباشد رسیده یک
کشتی با بیدق صلح پادشه نزد ژنرال استن
ساکن که حاکم انجا بود فرستاده که یا کشتی
های جنگی خود را که در بندر است تسلیم ما کنید
یا انکه بقهر و غلبه بندر را خراب کرده متصرف
میشویم و کشتیها را بزور خواهیم گرفت روسیها
بر عکس قانون انسانیت بر کشتی صلح تیر انداختند

ازاین

از این حرکت جمیع قشون متحده غضبناک شده
قرار دادند که صبح روز بعد را مشغول نزاع
شوند چون بامداد شد کشتیهای جنگی را بر دو قسم
کردند انچه بادی بود در معاون کذاردند و
انچه اتشی و بخار بود قرار دادند که بشکل مستدیر
متحرک باشند که یکی که اتشخانه اش را خالی نمود
بکذرد و دیکری برسد باین نحو نه کشتیها
دست و پای یکدیکر را تنک میکنند و نه
انی در اتش فشانی بر روی بندر نقصی بهم میرسد
در این دعوا چند ساعت اتشخانه روس بقاعده

تیری می انداختند و مقاومت نمودند تا انکه در این
بین دو انبار باروط آتش گرفت بعد کم کم آتشخانه
روسی سست شده تا انکه بکلّی موقوف شد و
سیزده کشتی که مملوّ از آلات و ادوات جنگ
بود دستگیر کشتیهای متحدّه شد و تقریبا هزار نفر
از روسی کشته و زخمی شد و از قشون متحدّه پنج
نفر کشته و ده نفر زخمی شد قشون متحدّه تا آخر
ماه مارس بشهر وارنا رسیدند ملاحظه
نمودند که این ولایت چندان وسعتی ندارد و
کفایت این جمعیّت را نمیکند لابدّ در پنج فرسنگی

وارنا

وارنا دو درّه که بظاهر بسیار خوب بنظر میرسید
که اسم انها یکی دِونا و دیگری آلادین بود ولی این
دو درّه مذکور بسیار رطوبتی و بدهوا بود و
چند سال قبل هم که قشون روسی در انجا اطراق
نموده بودند هفت هزار نفرشان تلف شده بود
قشون متحده از بابت عدم وقوف تا بلدی این
ملاحظه را ننموده سه ماه و نیم در انجا توقف
نمودند اکثری از قشون بناخوشی وبا و غیره
تلف شدند تا انکه حکم دولتی رسید که
باید همت کرده بروند امّا مقدّمه نزاع دانوب

سرداران روسی چنین مصلحت دانستند که جمیع
اعمال و قواعدیکه تا بحال معمول داشته اند تغییر
بدهند بنا بر این شهر قوقچانی را اول نقطهٔ
جنگ خود قرار داده و در انجا الات و ادوات
حرب بیش از اندازه جمع اوری نموده و چون دیدند
که قشون رومی حرکت ننموده و بتعاقب ایشان
نیامدند در همانجا ماندند و صبر کردند تا انکه
کمک بجهة ایشان رسید بعد از رسیدن کمک
بسیار چنین قرار دادند که بنا بر حکمی که از پطر
بورغ رسیده باید بای تخوکان و هر قدر سربان

کشته

کشته شود بشود از رودخانه دانوب رد شد
در سیزدهم ماه فوریه سنهٔ ۸۵۴ مسیحی حمله بر شهر
کرجو که در شمال رودخانه واقع است کردند
بعد از اینکه رومی قدری ایستادگی و مقاومت
نمود در نگاهداری شهر کرجو و دشمن را
قوی دید لهذا مصلحت دیدند که شهر را
از دست داده و تخلیه نموده و در نهایت نظم
و قاعده از رودخانه دانوب گذشته بشهر
روس چک امدند و سرداران روسی در
مجلس شورای جنگی چنین مصلحت دیدند که جمیع

قشون خود را بیك نقطه جمع نموده و حرکت کرده
از رودخانه بگذرند و مملکت بولغاریه را
از رومی بگیرند بدون انکه رومی بتواند با
انها نزاع و دفاع نماید اما عمر پاشا صبر ننموده که
انها ابتدا بحرکت نمایند یك دویزیون کوچکی
از قشون خود از رودخانه رد نموده بعد از
این حرکت پیش قراولان روس که در کالاراشك
بودند شکست داده و بدون عیب و نقص
خود را براحوه رسانیدند روز یازدهم
نادُس قشون روسی که در سمت راست بودند

بجال

بجال تصاحب نمودن شهر کالافات پیش
امدند و ساخلو شهر بدون کمك روسی را
شکست دادند بعد از چهار روز پرنس کرچکاف
از جان خود گذشته با استعداد زیادی
امد بر سر جزیرهٔ که واقع است بین تورتکای
و الطانیت ساولی ساخلو رومی بدون انکه
کمکی بانها برسد شکست داده و بنحوی تعاقب نمودند
که روسیها فرصت نکردند که نعشهای کشته
های خود را جمع کنند که تقریبا دو هزار کشتهٔ
روسی بر زمین افتاده بود پنج روز قبل از این

ژنرال لودرز با قشون جمعی خود از سمت چپ از
محاذی شهر کالاتس از رودخانه رد شده
داخل دبروتشا شد و پرنس کرچگاف بعد از
شکست خوردن مراجعت نمود و از نزدیکی
تولچه رد شده و قشون خود را با قشون
ژنرال لودرز متفق نموده که روی هم رفته
پنجاه هزار نفر میشد و خیالات و حرکات
روسی بعد از این جمع آوری واضح شد که پرنس
پسکویچ را از مملکت پلن که حاکم بود خواسته
و سرداری کل قشون روس مامور نمودند و باتفاق

او ژنرال شیلدرز که سردار کل مهندسین بود
نیز آمد و خیال شان چنین شد که شهر سلیستریرا
که در حقیقت کلید مملکت بولغاریه بود متصرف
شوند خصوص که از جانب امپراطور روسی حکم صریح
شده بود که از جان گذشته حتما باید این شهر را
بگیرید و پرنس کرچگاف و لودرز چنین قرار دادند
که از سمت راست قشون رومی بسلیستری بیایند
و خود پرنس پسکویچ با جمیع مابقی از رود بر و شمال
دانوب بسلیستری بیاید ساخلو رومی در
سلیستری مجموع هشت هزار نفر بودند و سرکرده

ایشان موسی پاشا آدمی قابل و رشید بود روز
چهاردهم ماه اوریل سنه ۱۸۵۴ مسیحی توپخانه
روسی از روبرو و شمال دانوب ابتدا باتش‌فشانی
نمودند ولی ثمر چندانی نبخشید تا آنکه روز
بیست و هشتم اوریل روسیها یورش آوردند
و بقسمی شکست خوردند که تا سه هفته بعد
این پنجاه و سه هزار نفر قشون روسی دعوارا
موقوف کرده بودند ولی متصل در هر
موضعی که لازم بود سنکر و باستیان می
ساختند و روسی نیز در اطراف شهر چند

سنکری که لازم بوده است ساخته بودند
از آنجمله دو سنکر ساخته بودند یکی مسمی
بعرب تعبیه و دیکری ایلان لی تعبیه که در
جنوب و مغرب واقع بودند و بر سایر
سنکرها تفوق و برتری داشتند زیرا
که مرتفع‌تر از همه سنکرها بودند حتی سرکوب
شهر هم بودند در مدت ده هفته روسیها
یورش بر این سنکرها آوردند که بلکه
بگیرند و متصل شکست میخوردند و مأیوس
مراجعت مینمودند و در این مدت همه روزه

کلولهٔ توب وخمپارهٔ روسی دیوار سنکرها را
مسطح میساخت وخراب میکرد و رومیها
در شب تمام را میساختند هر جهت همه روزه
روسی از زیر کلولهٔ خمپارهٔ خودش یورش
می اوردند تا لب خندق انوقت رومی بیرون
می امد و شکست داده مراجعت مینمود و
کاهی باز روسیها بخط متوازی نقب میکندند
و از زیر زمین پیش می امدند و رومیها هم در
مقابل نقب کنده وکارکنهای دشمن را اتش می
زدند و در این بین شب و روز اتشخانه روسی

از دو سمت رودخانه در میان شهر اتش
میبارید ولی رومیها با وجود این سدمات
کلی خود را نباخته و کم جرئت نشدند زیرا
که تمام اوقات موسی پاشا و دو نفر صاحب
منصبان انکلیس که یکی کپتن بتلر نام داشت
و دیکری لیوتنان نسمت شب و روز ارام
نداشتند و هر جا که خطری بود ایشان حاضر
بودند و هر خرابی که در روز میشد شب تعمیر
مینمودند از این تفصیل معلوم شد که روسی
انچه لازمه سعی وجهد بود بعمل اورده بجد یکه

انچه قشونیکه در سمت راست ایشان بود بکمک
خود جمع نمود و کاری هنوز از پیش نبرده و از
این بابت که در سمت راست روسی چندان
استعدادی نبود روی چند فتح مختصری کرد تا
انکه روز دوازدهم ماه مه روسی یورش
بسیار پر زوری روی شهر اورده و بعد از
دعوای سخت و خون ریزی زیادی روسی
شکست خورد و دو هزار و دویست نفر
از ایشان کشته شد و بعد از ده روز باز
یورش دیگر اوردند و باز شکست خوردند

تا انکه

تا انکه سردار روسی مستاصل شده نزد
موسی پاشا فرستاد که شهر را بزور پول
بخرد موسی پاشا جواب پخته داد که اگر می
توانی بزور بگیری بیا بگیر در این بین عمر
پاشا انچه لازمه سعی بود در فرستادن امداد
و کمک بجهت سلیستری نمود ولی ممکن نشد باین معنی
که قشون علاوه نداشت و تقصیر با او نبود
بلکه با وزرای دولت عثمانی بود که اهمال در
فرستادن قشون مینمودند و سببش با
بواسطهٔ عدم شعور بود با انکه تنخواه قابلی بطرز

رشوه از دولت روس گرفته بودند بهر جهت
بار روز پنجم ژون پانصد نفر سرباز از اردوی
عمر پاشا خود را بسلیستری رسانیدند و در
هشتم ان ماه هزار نفر دیگر باز از میان قشون روسی
بهر نحو بود خود را بشهر رسانیدند بعد از رسیدن
این کمک بساخلو شهر قدری قوی شدند شب
سیزدهم ژون از شهر خارج شده باستیان و
سنگرهای زیادی از روسی خراب نمودند و نقبهای
ایشان را اتش داده و از روس جمعیت زیادی
کشته شد بعد از این مقدمه سردار روسی

چنین

چنین فهمید که در گرفتن شهر چاره نیست
مگر انکه تمام قشون یورش بیاورند لهذا تدارک
خود را دیده و حکم یورش بجهة روز بیست
و هشتم داد ولی سرباز روسی از بسیاری
شکستی که خورده بودند سرواز ده قبول
یورش را ننمودند و جواب گفتند که من بعد
دعوا نمیکنیم سردار روسی هم در مقابل این
حکم را کرد که اگر تا سه روز دیگر شهر
سلیستریرا مسخر نکنید دیگر جیره نخواهید
داشت روز بعد سرداران روسی که عبارت

از پرنس پسکوویچ وکنت ارلف باشند وژنرالها
شیلدرز وکرچگاف ولودرز درجلو کل قشون
بجهة جرئت سرباز افتادند ویورش بردند
وبا روسیها در نهایت سهولت ایشان را
شکست دادند وپسکوویچ زخمی هولناکی شده
وشیلدرز هر دو پایش را تا زانو کلوله برد
ولودرز بچانه‌اش کلوله خورده وچانهٔ او را
برده وکنت ارلف کشته کردید وکرچگاف نیز
زخمی قوی شد وبه روسیها آسیب کلی رسید
زیرا که موسی پاشا در آخر فتح بواسطهٔ کلوله

توپی

توپی که بر سرش خورده بود برحمت ایزدی پیوست
وکبتن بتلرهم در این یورش کشته شد و روسیها در
حالت بازکشت بودند که کمک از عمر پاشا رسید و تعاقب
قشون روسی نموده فرارشان دادند وبسیاری را از این
کشتند تا آنکه معدودی خود را بقوکچانی رسانیدند
در همان محاصرهٔ سلیستری قریب سی هزار سرباز روسی
تلف شد وحال از قشون روسی بغیر از چهار پنج
هزار نفر که در دبروتشا بودند دیگر در جنوب
رود خانه دانوب قشونی از روسی نبود
آنچه باقی مانده بود از قشون بسمت شمال فرار

کرده بودند و از این رشادت و فتوحات
بی دربی رومی مجدداً دول اروپا متحیر
ماندند **فصل سیم** بواسطه شکست
روس در محاصره سلیستری حالات و تمهیدات
قشون متحده تغییر یافت زیرا که حال ثابت شده
و مطمئن بودند که نگاهداری سرحد دانوب
در قوه عمرپاشا و قشون رومی بود بنا بر این
سه حرکت از برای قشون متحده بود که باید
یکی از آن سه حرکت را انتخاب کنند اول آنکه
از وارنا حرکت نموده از رودخانه دانوب بگذرند

و تعاقب قشون شکست خورده روس کنند
تا بانها رسیده تمام نمایند دویم آنکه از وارنا
گذشته بروند بر بندر وادسه و آن شهر را
تصاحب نموده خراب کنند سیم آنکه این قشون
حمل داده از وارنا بکریم و پای تخت آنرا
که شهر سباستپل باشد خراب نمایند
اما ضرر خیال اول این بود که قشون متحده
لابد از کشتیهای جنگی خود جدا میشدند
و بجهة آذوقه و قورخانه معطل میماندند
و این خلاف بزرگی میشد در قانون جنگ

ضرر خیال دویم این بود که فرضا شهر ادسه را
مسخر و خراب میکردند ولی چون این بندر
تجارتی بود بجهة روسیها گرفتن و خراب کردن
یا نکردن بندان تفاوتی نمیکرد و ضرری
بروسی نمیرسید اما خیال سیم که مقصود
گرفتن سباستپل بود منفعت کلی بجهة
قشون متحده و ضرر کلی بجهة روسیها بود
زیرا که قورخانه و آلات جنگ بی شماری
روس در انجا جمع آوری کرده بود و همیشه
در بندرش کشتی های جنگی زیادی حاضر بودند

و در وقتی

و در وقتی که فرصت میجستند خود را به بندر
های روسی میرسانیدند و اذیت میکردند
مختصر در قره دنکیز این بندر مرکز زور
روس بود بنا بر این سرداران قشون متحده
این خیال اخیر را پسندیدند و بعد از انتشار
این خبر در میان قشون بدون آنکه سربازها
بدانند بکدام سمت میروند از شدت سرمائی که
در ان سرزمین خورده بودند تمام مشعوف و
خرم شدند و بجهة حمل این قشون چهارصد
کشتی بسیار بزرگ حاضر نموده بودند و روز هفتم

سپتامبر سنه ۱۸۵۴ عیسوی از بندر وارنا حرکت نمودند
و بکشتیها حکم شده بود که در سولینا که محل
داخل شدن رودخانه دانوب در قره دنکیز است جمع
بشوند و چون عدد قشون فرانسه بیشتر از قشون
انگلیس بود و درجه منصب مارشال سنت
ارنو که سردار فرانسه ها بود بالاتر از منصب
لارد رکلان بود لهذا مارشال سنت ارنو
سردار کل دو قشون بود امپراطور فرانسه
بجهة نزول قشون متحده بندر کفا را تعیین
نموده بود ولی سرداران بسیار بقاعده کردند

که در

که در انجا فرود بیایند زیرا که اگرچه این
بندر کفا از سایر بندرات کریمه بزرگتر و لنکر
گاهش جهة کشتیها بهتر است اما خاصیت کشتی
جنگی از برای قشون در خشکی اینست که یا در
مقام امداد برساند و خودش هم کمک بکند و
یا اذوقه و قورخانه وغیره را برساند و هم
چنین هرگاه قشون شکست خورده باشد
نقطه سلامتی از برای برگشت داشته باشد
و هرگاه در کفا فرود آمده بودند کشتیهای
جنگی این فواید مذکوره را نمی بخشیدند و گذشته

ازان کفا در سمت مشرق کریم است و سبا
ستپل در سمت مغرب و فاصله بین یک
دیگر بیست و پنج فرسنگ است و هرگاه در
کفا فرود آمده بودند زمان حرکت و آمدن
بسوا ستپل لابد بودند که از قره بازار
و سیم فروپل و باغچه سرای گذشته خود را
بسوا ستپل برسانند و احتمال نزاع و جدال
کلی در هر یک از این شهرها با ساخلو روسی
داشت و گذشته از این جمیع دو قشون
متحده که عازم شهر سباستپل بودند پنجا

هزار

هزار نفر بودند و هرگاه از شهرهای مذکور
میگذشتند لابد باید منصرف شده در هر
یک ساخلوی بگذارند و انوقت قشونی بجهة
محاصر خود سباستپل باقی نمیماند اگر هم می
ماند معدودی که تمام از کار افتاده می بودند
بواسطهٔ این دلائل ازان خیال منصرف شده
وقتی که بسولینا کشتیها جمع شده بودند
سرداران قشون متحده قرار دادند که تمام
باید در ده فرسنگی سمت مشرق دماقه
ترقان که در سمت شمال کریم واقع است جمع

شوند و از انجا مارشال سنت ارنو و لارد
رکلن و ژنرال کان دبر و ژنرال برون و سراد
ماند لایانز که دریابیکی کشتیهای انکلیس بود
باتفاق هم در یک کشتی کوچکی که مسمی بقره داق
بود نشسته رفتند که بدقت کنار دریای
کریمه بازدید نمایند تا انکه هر موضعی که
مناسب باشد قشون متحده فرود ایند رفتند
تا نزدیک اوپاتوریا و از انجا کذشته تا بزیر
اتشخانه سباستپل رسیدند و همه جا را
بازدید نمودند و صبح دوشنبه یازدهم سپتامبر

مراجعت

مراجعت به پیش کشتیها کردند و بعد از تامل
دو روز بجهت جمع اوری کشتیها متفقا بایکدیکر
حرکت نموده تا نزدیکی شهر اوپاتوریا رسیدند
ادمی نزد حاکم انجا فرستادند که باید شهر را
بما بسپاری جواب صریح نشنیدند فورا چند
نفر سرباز از کشتی انکلیس و فرانسه بخشکی
پیاده نمودند بعد از مشاهده این روسیها
خوف کرده شهر را تخلیه نموده تصرف ایشان دادند
پس از ان کشتیها بسمت جنوب مشرق
حرکت نموده تا بر بندر کالامیتا خود را رسانیدند

وبیک میل مسافت از خشکی در محاذی مکانی
که قدیم مشهور بباستیان بود لنکر انداختند
وبتعجیل تمام هر قدر که توانستند سرباز را
بخشکی پیاده نمودند و سرداران قشون متحده
یقین داشتند که قشون روسی در انجا حاضر
خواهند بود و مانع از پیاده شدن سربازان
خواهند شد ولی بجز سه چهار نفر قزاق و
یک صاحب منصب روس که از دور در نهایت
آسوده کی نشسته مشغول نقشه کشی بود
دیکر چیزی مشاهده نشد در ان روز تا غروب

آفتاب

آفتاب بیست هزار نفر از قشون انکلیس و
سی و شش عراده توپ و همین قدر تخمینا
از قشون فرانسه بخشکی پیاده شدند و در
انشب تا صبح بر سر این بیچاره ها باران بارید
در حالتیکه نه چادر و نه بالاپوش و نه
خوراک درستی داشتند بعد از دو روز
باز مشغول پیاده نمودن باقی قشون که
عبارت از پیاده و سواره نظام و توبخانه
و قورخانه بود شدند و در ان وقت دویز
یون های سبک دو قشون سبقت جسته

دووده که مال طایفه تاتار بودند تصاحب
نمودند تا شب شانزدهم تمام قشون پیاده
شده مهیا بودند و روز هیفدهم چهار کشتی
متحده یك اردوی اروسی که مشتمل بر شش
هزار نفر بود در نزدیکی لب دریا پیدا
کردند و بزور آتش خمپاره ایشانرا متفرق
ساخته پس نشانیدند و روز هیفدهم
و هیجدهم قشون متحده از جای خود حرکت نکردند
و آذوقه و عرّاده جهة کشیدن قورخانه
وغیره حاضر مینمودند و صبح روز نوزدهم

تمام قشون بسمت جنوب حرکت نمودند
و قشون فرانسه بسمت راست که نزدیك
لب دریا بود حرکت کردند و قشون انکلیس بدست
چپ و کشتی ها باوامی در دریا همراهی میکردند
که اگر کمکی لازم باشد بدهند و قشون انکلیس
بیست و پنج هزار نفر بودند مرکب
از این افواج و سردار کل لارد رکلن بود
دویزیون سبك ژنرال سرجارج برون
ژنرالهای بریکاد اِری بولر
افواج ۷ ۱۹ ۲۳ که فوزیلیه نام داشت

دویزیون سبك عبارت است از دو بریکاد

۳۳ ۷۷ ۸۸

دویزیون اول ژنرال جناب دوك دكام برج

ژنرالهای بریكاد بن تیك سر كولن كا

افواج ملتزم ركاب گارد گرنادیه

گارد كولدستریم گارد اسكتسه ۴۲ ۷۹ ۹۳

جمیعا این سه فوج كوه پایه جات بودند

دویزیون دوم ژنرال سر دلیسی اونس

ژنرالهای بریكاد پن نادر ادمس

افواج ۳۰ ۴۱ ۴۷

۴۹ ۵۵ ۹۵

دویزیون

دویزیون سیم ژنرال سر ریچرد انگلاند

ژنرالهای بریكاد سر جان كامبل ایر

افواج ۱ ۴ ۲۸ ۳۸ ۴۴ ۵۰ ۶۳

دویزیون چهارم ژنرال سر جارج كاتكارت

ژنرالهای بریكاد كولدی تارنز

افواج ۲۵ ۲۱ ۵۷ ۶۳ و یكفوج قره میناچی مخصوص

دویزیون سواره نظام ژنرال لارد لوكن

ژنرالهای بریكاد لارد كاردكن اسكارلت

بریكاد سبك افواج ۸ ۱۱ ۱۷

بریكاد سنگین نیله سوار اكستیه انیس كلن

ملتزمین رکاب	۱	۴	۵

این افواج بریکاد سنکین در دعوای الما
حاضر نبودند یعنی هنوز کتیبهائی که میاورد نشان نرسیده بودند

سرکردهٔ توپخانه	سرکرده مهندسین
ژنرال استراند اوزِ	ژنرال تیسل دن

عصر نوزدهم سبتامبر درحالتیکه قشون
متحده میخواستند از رودخانه بولزناق عبور
کنند بریکاد سبک سواره انکلیس که پیش قراول
بوده مقابل با یک دویزیون سواره قزاق روسی
شده وازهمان بین ازین باستیان کوچکی که

انسمت

انسمت رودخانه بود سر چهار توپ انداختند
سواره انکلیس بر سر انها تاخت اورده باستیانرا
کرفته وقزاق را فرار داده اند و در همان شب قشون
متحده از رودخانه رد شده در زمین رطوبتی
اطراق نمودند وصبح بیستم ازانجا حرکت کرده
تا انکه نزدیکی رودخانه الما رسیدند که عبارت
است از رودخانه کوچکی که تخمینا چهار فرسنک
در شمال سباستپل داخل دریای قره دنکیز می
شود و سمت جنوب رودخانه سرهبالائی سختی
بود و در ان سرهبالائی دره ها و پرتکاه قلیلی

بود و در همان سمت قشون روس جمع آوری
خود را از پیش کرده بودند و جمیع نقاط موضع
دعوا را از پیش توپ چنان قراول و اندازه
گرفته بودند و چنان مطمئن بودند که شکست
قشون متحده را با تمام بدریا خواهیم ریخت
و تدارک و محکمه که بجهة خود فراهم آورده بودند
از این قرار است اولا حالت طبیعی این سمت رود
خانه بواسطهٔ پرتگاهها و سربالائیها بدون
باستیان و سنگر محکمهٔ بسیار خوبی بود و در
مرکز این کوهها یک قلعهٔ بود که از سایر کوههای

راست و چپ مرتفع تر بود و بر روی آن روسها
باطرهای توپ بسیاری قرار داده بودند
و سنگرهای بسیار محکمی هم در آن قلعهٔ مزبور
ساخته بودند و در جلو آن سنگر دیگری که
مسمی بردان دو رو بود ساخته بودند و
در میان آن سیزده عراده توپ بزرگ قرار
داده بودند و علاوه بر آن دو درهٔ بودند
و در هر یک سنگری نیز بنا کرده بودند و
آنها را هم ردان نیز می نامیدند که شامل بیست
و پنج عراده توپ بزرگ بودند و باز اکتفا نکرده

مابین دهنهٔ رودخانه که داخل درّه میشود
وقله کوه مزبور یک ردان ناتمامی بنا کرده بودند
که شامل باطریهای توپخانه و قشون بسیاری
بود و نقطهٔ دهنهٔ رودخانه هم بواسطهٔ سختی
کوه و پرتگاه روسیها لازم ندانسته که در انجا
سنگری بسازند و ازان بابت مطمئن بودند
و پلی هم که بر روی این رودخانه بود خراب
کرده بودند و یک قریه کوچکی هم در سمت
شمال رودخانه که مسمی به بارلیوک بود
اتش زده بودند بجهة انکه قشون متحدّه

از اینجا خود نسازند در دامنهٔ همین سر
بالای مزبور که باغستان زیادی بود
قریه میناچی روسیها در میان ان باغها
قرار گرفته بودند این بود وضع و انتظاماتی
که دوسو در انسمت رودخانه بجهة تدارک
دیده بود و باید قشون متحده با وجود
کسالت راه و صدماتی که خورده بودند
و با این همه موانع باید ازاین رودخانه
رد شوند و پرنس منشگاف در اینموضع
سردار پنجاه چهار هزار قشون روسی بود

واینقدر از استحکامات خودشان مطمئن
بودند که بکرّات این لاف را زده بود که اگر
باضعاف مضاعف این دشمن بیاید از
این جا نمیتوانند رد شوند قشون متحده در
انمکان پنجاه هزار نفر بودند با وجودیکه
تعداد قشون متحده کمتر بود و چنان سنکر
ومحکمهٔ که دشمن بجهة خود فراهم آورده
بودند باز قشون متحده روکردان نشده
صف آرائی خود را از اینقرار نمودند قشون
فرانسه تماما درسمت راست صف

کشیدند

کشیدند واوّل ازهمه ژنرال بسکه با
دویزیون خود که درکنار دریا واقع شد
بود واخو فرانسه ها پرنس ناپلیان با
دویزیونش وقشون انکلیسها درسمت چپ
او صف کشیده بودند اوّل ژنرال سر دِ لیسی
اَوِنْس با دویزیون دوّیم بود بعد از ان
سرجارج بُرَون با دویزیون سبك بعد
از ان جناب دوك دكامبرج با دویزیون
ملتزمین رکاب وکوه پایرجات وبجهة
معاون قشون متحده سرجارج کاتکارت

بادویزیون چهارم وتمام سوارهٔ نظام
قرار داده بودند وسرداران قشون متحده
چنین قرارداد کرده بودند که اوّل فرانسه
ها سبقت در دعوا بجویند وبا قشون سمت
چپ روسیها دعوا بکنند وبعقب نشانند
وبعد ازان قشون انکلیس از رودخانه
رد شده بسمت قلّه کوه یورش ببرند
وچنانچه کفتیم که سمت چپ روس که دامنه
رودخانه بود بواسطهٔ سختی کوه روسی
چندان سربازی بانجا نکذاشته بودند ولی

غافل از رشادت وچابکی قشون فرانسه
بودند وبعد ازاینکه کشتیهای متحده خمپاره
بسمت آخر چپ روسو انداختند وان
قلیلی که درانجا از روسیها بودند از زور
آتش فشانی پس نشانیدند در جزو
قشون فرانسه شروع بکذشتن از
دهنه رودخانه نمودند وبجهة سهولت
یك لتکهٔ انکلیس آمد درمیان رودخانه
قرار کرفت مثل پلی شد وفرانسه ها
از روی آن ردّ شدند وپیش از همه سربازان

زءآو فرانسه بواسطهٔ عادتیکه در کوه
رفتن داشتند در نهایت جلدی بعینه
مثل بزِ کوهی از همان مکان که روسیها
خیال میکردند که ممتنع العبور است بالا
رفتند و در سطح آن بالا قرار گرفتند در این
بین قدری دیگر از قشون فرانسه خود را
باب زدند و از رودخانه رد شدند
وشکست فاحشی بقره میناچی روسیها
دادند و خود را کشانیدند در بالای تخته
کوه بعد از آنکه افواج زءآو فرانسه بر

بالای تخته رسیدند یورش بر سر روسیها
بردند و عقب نشانیدند ولی در یورش
از کمال رشادت زیاد روی کرده نزدیک
آتشخانه روسو که رد آن نا تمام باشد رفتند
و بر سر آنها چنان آتش می بارید که اگر ژنرال
بسکه بادویزیونش نرسیده بود احدی از
آنها باقی نمیماند و در این بین پرنس ناپلیان
هم از رودخانه رد شده و توپ چیان
فرانسه هم بای نحوکان چند عراده توپ
سبک بالای تخته کشیده بودند و یورش

پر زوری به ردان ناتمام برده طول نکشید
که بیدق فرانسه بر روی این سنگر زده
شد و تصاحب نمودند و بعد پرنس میچگاف
از سمت راست خودش باین سمت کمک
فرستاد و زور بر سر فرانسه‌ها آوردند
و بیرون نمودند مارشال سنت ارنو بعد
از مشاهده اینمقدمه نزد سردار کل قشون
انکلیس فرستاد که ما فلح وقع شدیم و بنائی
قرار داده حال شما شروع بجنک کنید این
پیغام یک ساعت نیم از ظهر کذشته بسردار

انکلیس‌ها رسید و او هم حکم بحرکت داد فورا
سر جارج برون با دویزیون سبک خود و
سر دلیسی اونس با دویزیون دویم خود را
برودخانه ریختند و از میان کالوله قرمیناچی
روس که در میان باغات بودند و کالوله
توپ سنکرها که بمثل باران بر سر اینها می
بارید خود را بانسمت رودخانه رسانیدند
و در وقت عبور از انکلیس‌ها زیاد کشته شد
و چونکه ده بورلیوک را روسی قبل از دعوا
آتش زده بود این قشون انکلیس بانجا که رسیدند

ناچار بدو قسم شدند یکی بسمت راست ده
و دیگری بسمت چپ و دو یزبون سبك
هر نحو بود خود را بسطح بلندی رسانیدند
و شروع بشلیّك کردند و یورش بقلّه
کوه وردان دورو بردند و افواج فوزیلیه
که هفت و بیست و سه باشند سبقت
جستند و با سرجارج برون که جلو از
همه میرفت نزدیك وردان شدند ناکام
اتش شدیدی بر سر انها باریدن گرفت
بقسمیکه فوج هفت شکست خورده بعقب

نشست دوباره جمع اوردی خود نمودند و
فوج بیست و سه اندك تکانی خورد بجهة
انکه یازده کلوله بر اسب ژنرال سرجارج
برون خورد ولی سرجارج برون پیاده
در جلو فوج افتاده باز یورش بردند و
وردان دورو را کرفته تصاحب نمودند
ناکاه صدائی بلند شد که دست نکاه دارید
که افواج فرانسه در جلو شماها هستند
در اینوقت سرهنك این فوج که کلنل
چستر نام داشت فریاد براورد که دروغ است

قبول نکنید در همان حین که این حرف را
تمام کرد که تیر خورده کشته شد سرباز
متحیر مانده بود که بکدام قول گوش بدهند
توپچیان روس فرصت جسته بر سر
انها شلیک کردند بیک مرتبه صد نفر
سرباز و نه نفر صاحب منصب کشته شدند
باقی دو ویزیون سبک هم که نوزده و سی و سه
و هفتاد و هفت و هشتاد و هشت باشند
رسیدند و باتفاق بر دوی ردان یورش
بردند دران بین سر دلیسی اونس و سر

ریجرد انگلاوند دو ویزیونهای دویم و
سیم را با کمال صعوبت از رودخانه
رد نمودند و از دست چپ دو ویزیون
سبک شروع ببالا رفتن نمودند افواج
پنجاه و پنج و نود و پنج که در جلو بودند
محل هدف تیر اتشخانه روس واقع شده
بسیار ضرب خوردند و چند عراده
توب سبک هم که از رودخانه رد شده
بودند کمک کردند و این دو دویزیون
اکرچه بواسطه سدمات اتشخانه روس

قدری پس نشسته بودند ولی مجدداً با
این کمک توپخانه یورش بردند و خود را
بر بالای بلندی رسانیدند و ان باطری
که متصل بر سر دویزیون سبک تیر می انداخت
خاموش نمودند جناب دوک دکامبرج با
دویزیون ملتزم رکاب و کوه پایه جات
از دست چپ ویزیون سبک از رود
خانه رد شد و بتعجیل انها را بکمک دویز
یون سبک برد که عنقریب از صدمهٔ
اتشخانه روسی شکست خواهند خورد بعد

از رسیدن دویزیون سبک فاصلهٔ
مابین ستونهای افواج خود را باز نموده
تا انکه دویزیون سبک ازان فاصلهٔ بقانون
نظامی عقب ماند جمع اوری خود را نموده
بعقب انها روانه شدند اگرچه در این
حالت از انگلیس زیاد کشته شد مع هذا
دیگر درنگ و تامل ننموده با دویزیون
سبک متفقا در میان رودان ریختند و
ان سنگر را تصاحب نمودند بعد از گرفتن
این سنگر خیال گرفتن قلهٔ کوه را کردند

وبحالت نیزه پیش بآن سمت حرکت نمودند
اگرچه روسی قبل از حرکت کردن انگلیس
خیال مقاومت و ایستادگی را داشت ولی
بعد از مشاهده این حرکت و حالت یورش
انگلیس هنوز نرسیده تفنگ های خود را
ریختند و فرار نمودند قشون فرانسه هم
دست چپ قشون روسی را شکست داده
و دو قشون متحده بیکدیگر رسیدند و باط
ریهای توپخانه خود را بسمت قشون شکست
خورده روسی بستند و بنای آتش فشانی را

گذاردند و زیادیرا کشتند باوجودیکه روسی
از پیش موضع دعوا را منتخب کرده بودند و
بدلخواه خود جمیع اسباب را فراهم آورده بود
باز در سه ساعت شکست خورده فرار نمودند
و بواسطهٔ کمی سواره از برای قشون متحده
ممکن نشد که تعاقب روسیها را بکنند و این
زیاد باعث افسوس و غصه شد زیرا که
اولا این فراریها خود را بسباستپل نمیرسانیدند
و تمام یا کشته یا دستگیر میشدند و ثانیا آنکه
همین فراریها بودند که بعد خود را بسباستپل

رسانیده از جمله سباخلو سباستپل شدند
و هر گاه تعاقب کرده بودند همان یورش
سباستپل را گرفته و دعوا را ختم نموده بودند
در این نزاع هزار و هفتصد و شصت و
دو نفر از روسی کشته شده بود و دو
هزار و هفتصد و بیست نفر زخمی شدند
و از قشون انگلیس سیصد و پنجاه و سه
نفر کشته و هزار و ششصد و دوازده نفر
زخمی شدند و از قشون فرانسه دویست و
پنجاه و شش نفر کشته و هزار و هشتاد و هفت نفر

زخمی شدند و تا دو روز قشون متحده با
وجود اصرار و ابرام مارشال سنت ارنود
پیش رفتن و تعجیل نمودن در امکان دعوا
ماندند زیرا که لارد رگلن بواسطه مواظبت
و معالجه زخمیهای خود صلاح ندید

فصل چهارم صبح بیست و سیم سپتامبر
سنه ۱۸۵۴ مسیحی قشون متحده بسمت جنوب
حرکت نمودند و مارشال سنت ارنو که زیاد
شجاع و رشید بود با وجود ناخوشی قلبی
قدیمی که داشت و در روز دعوا شدت

کرده بود باز در این روز شانزده ساعت
بر روی اسب خود را نگاهداری نمود و باتفاق
لارد وکلن سردار انکلیس در جلو قشون
حرکت کردند و با خوشحالی تمام میرفتند تا
روز بیست و پنجم که ناخوشی مارشال سنت
ارنو شدت نموده ناچار سرداری خود را
بژنرال کان ربر واگذار نمود و در یک کشتی
کوچک فرانسه که مسمّی به برتُلِه بود
نشسته و روانه اسلوم بل گردید و در روز
سی ام سپتامبر در وقتیکه کشتی وارد بندر

اسلامبل

اسلوم بل میشده است مارشال سنت
ارنو هم وفات کرده بود و در حقیقت این
کشتی حامل جنازهٔ او بود در همان روز
بیست و سیّم قشون متحدّه رسیدند به رود
خانه کچا در آنجا اطراق کردند و صبح بیست
چهارم بسمت رودخانه بِلبِک حرکت نمودند
پس از رسیدن برودخانه مشاهده نمودند
که دو طرف رودخانه جنکل بسیاری است
و در میان درختها قره میناچی روس پنهان
شده و گرفتن آنها مثمر ثمری بجز تلف شدن بسیاری

از قشون نیست وگذشته ازان آتش توب
خانه روس از سمت شمال سباستپل انجا را
میگرفت لهذا چنین مصلحت دیدند که در
دست چپ رودخانه آتش را بنمانند چون
خیال کرده بودند که سمت شمال شهر
سباستپل از جنوبش محکمتر است ولی تازه
سمت جنوب محکم میکردند لارد رکلن چنین
مصلحت دانست که در دور شهر دائره طی
نموده تا انکه خودرا بسمت جنوب قلعه که کم
قوة تر است برسانند وگذشته ازان در سمت

جنوب بندرات زیاد است ولازم بود بر قشون
متحده که نزدیک بر کشتیهای خود باشند چه از
حیثیت آذوقه و قورخانه معطل نداشته باشند
ودر همان شب لارد رکلن صاحب منصبی نزد
کشتی فرستاد که حرکت کنند وروز بعد خودرا
به بندر بالاکلاوا که در جنوب سباستپل است
برسانند وروز بیست وپنجم قشون متحده حرکت
نموده وبرعکس روز پیش که انگلیسها بدست
راست بودند وقشون فرانسه بدست
چپ حرکت کردند وازنزدیکی سباستپل عبور

کردند ولی کشتیها بجلو بندر آمده مشغول
تیر اندازی بسباستپل شدند و روسیها
مشغول نمودند و متحمل قشون متحده در روی
خشکی نشدند و شب را بر روی بلندی که
مسمی به خُوتر مُکنزیا است و انبار چوب جهة
ساختن کشتیهای جنگی روسی است ماندند
و صبح بیست و ششم حرکت بسمت بالاکلاوا
نمودند امّا بالاکلاوا قصبه کوچکی است
بسمت مشرق بندر بالاکلاوا و خود بندر
مزبور بندر کوچکی است که اطراف انرا کوه

احاطه نموده و در بالای ان کوه سنگری در
ایام ژنُویز از سنگ ساخته جهة حفظ انجا
و در میان این برج شصت و پنج نفر سرباز
و یک نفر صاحب منصب روسی بودند بعد
از انکه قشون متحده نزدیک بالاکلاوا
رسیدند صدای توپها از دریا شنیدند
معلوم شد که کشتی های جنگی متحده موافق
دستور العمل لارد رکلن رفتار نموده اند
و به بندر بالاکلاوا امده اند و صاحب
منصب روس با شصت نفر ابواب جمعی خود

بنای تیراندازی را از سنکر کذارده و
اینقدر ایستاده کی نمودند تا انکه چند نفر
قره میناچی قشون متحده چند تیر بانها انداختند
و عرصه را بر انها تنك کرده تا انکه برج را
از دست دادند و حال قشون متحده بمنتهای
خیال و مقصود خود رسیدند که بسمت
جنوب شهر که کم قوة تر است رسیدند
و هم نزدیك بکشتیها شدند و قشون فرانسه
بسمت مغرب بالاکلاوا حرکت نموده و بندرات
کمیش و استرلیدس کیا را تصاحب نمودند

جهة

جهة کشتیهای خودشان زیرا که بندر بالاکلاوا
کوچك بود و کفایت قشون متحده را نمیکرد بعد
از سه روز قشون متحده شروع بر بیرون
آوردن و پیاده نمودن توپ و قورخانه خود
از کشتیها کردند و دولت انکلیس یکصد و
سی عراده توپ و فرانسه نیز همان قدر
پیاده نموده بودند ولی بعضی از توپهای
انکلیس از جمله توپهای بزرك کشتی بود
و در پنجم اکتبر صاحب منصبان مهندس باز
دید نموده و بعد از دو روز کل قشون متحده

مشغول بحفر و کار کردن جهة سنگر و باستیان
ساختن شدند امّا وضع و ترکیب سباستپل
از این قرار بود شهر سباستپل در جنوب بندر
سباستپل واقع است و یک حدّ بندر از
لب دریا است و حد دیگر موضعی است
که رودخانه چرنایا داخل بندر میشود و
انموضع را اینکرمان مینامند که از دهنه
بندر تا اینکرمان تقریبًا یک فرسنگ است
وعرض دهنهٔ بندر در لب دریا هزار
ذرع است و بعد بر عرض او افزوده باز

بسمت

بسمت اینکرمان تنگ میشود و عمق بندر
تخمینا هشت ذرع بود و متصل باین بندر
سه بندر کوچک دیگر بودند که یکی از
انها معروف به بندر توپخانه و دیگری
مسمی به بندر نظام که طولش نیم فرسنگ
وعرضش چهارصد ذرع و این جهة کشتی های
جنگی روس بود و بندر کوچک دیگر که
مسمی به بندر قرنتین که مخصوص کشتیهای
تجارتی بود و در دو طرف بندر در رو
خشکی دو مناره که یکی شیشصد و چهارده پا

ودیکری چهارصد و سیزده پا ارتفاع
داشتند از سطح دریا و بربالای انها
چراغی که باروغن میسوزد و روشنائی
ان از اندازه خارج است قرار داده اند
تا انکه از هفت الی هشت فرسنکی معلوم
میشود که در این جا بندر است و کشتیها
به بینند خود را به بندر برسانند و در
طرف شمال بندر سباستپل قورخانه
کشتیهای جنکی بود و خود شهر سباستپل
در دو طرف بندر نظام واقع شده بود

درسمت مغرب شهر محل مال التجاره و غیره
بود و در سمت مشرق متعلق بنظام از قبیل
سرباز خانه و قورخانه و توپ خانه و مریض
خانه و غیره بود و طول شهر تخمینا یک
فرسنک بود و عرضش نیم فرسنک و در
ساحل بندر بزرک باستیان و سنکرات
مختلفه بنا نموده بودند و در دهنه بندر
بسمت جنوب سنکر قرنتین بانضمام
شصت عراده توپ بنا نموده بودند و
نزدیک باو قدری دورتر سنکر اسکندر را

ساخته بودند با انضمام هشتاد و چهار عراده
توپ که در دو مرتبه قرار داده بودند
و در محاذی آن بسمت شمال بندر سنکر
کنسِرتان تین بنا شده بود که پایه آنرا
از میان دریا بالا آورده بودند و یک
صد و چهار عراده توپ در سه مرتبه
قرار داده بودند و یک باستیان دیگری
که بسیار محکم بود در سمت مغرب بندر
توپخانه که مشهور بباستیان سباستیپل بود
ساخته بودند و شامل هشتاد و هفت عراده

توپ

توپ بود و در سمت مشرق بندر توپخانه
بندر نیکلاو را ساخته بودند که شامل
یکصد و نود و دو عراده توپ بود و از
طرفین این دو باستیان محافظت بندر
توپخانه و بندر نظام را مینمودند و در
سمت مشرق بندر نظام سنکر پل را بنا
نموده بودند که شامل هشتاد و دو عراده
توپ بود و در سمت شمال بندر بزرک
باستیانهای کوچک و بزرک بسیار بنا
نموده بودند و نزدیک باستیان کنسِرتان تین

بودند در سمت مغرب یک برجی با انضمام
یک باستیان بنا شده بود ولی بعد از
ورود قشون متحده ببالاکلاوا روس
سنکرهای بسیاری از قرار تفصیل در
خشکی بنا نموده بودند اولا در جلو دیوار
مز بود یک خندق بسیار عمیقی حفر نموده
بودند و دو باستیان دیگر که یکی مسمی
بباستیان باغ و دیگری مسمی بباستیان
بیدق در مشرق بنا نموده بودند و باستیانهای
خاکی متصل بان بنا نموده بودند که اسباب

استحکام

استحکام شهر از بندر قرنتین تا بندر
نظام شد و از بندر نظام بسمت مشرق
سنکر سرباز خانه ساخته بودند و بیک
خط مستقیم سنکرها او را متصل بسنکر
کراندردان نمودند و از کراندردان تا الی
برج مله کاف باز هم خط مستقیم سنکرها
نموده بودند و در جلو مالاکف سنکر
مأملن را بنا نموده مختصر بعد از ورود
قشون متحده ببالاکلاوا روسها جمیع
این موانع خاکیرا بسمت جنوب شهر ساخته بودند

سنکر کترین را بنا نموده که شامل یکصد و
بیست عراده توپ بزرک بود و در فوق
همه بسمت شمال باستیان ستاره را
بنا نموده بودند که از همه سنکرها محکمتر
و بزرکتر بود و توپ بیحسابی دران قرار
داده بودند که کلوله انها از شهر سباستپل
رد شده بقشون متحده میرسید و بسیار
اذیت میرسانید بهمین واسطه مشهور بود
و بعد از محاصره شهر دو سیها در سمت
شمال سنکر تلکراف که شامل بیست و هشت

عراده

عراده توپ بود و سنکر زنبوری و سنکر
های خط مستقیم را بنا نموده بودند و علاوه
بران در دهنه بندر بزرک چوبهای
کلفت بسیاری را با زنجیرهای بسیار بزرک
بیکدیکر وصل نموده و در روی اب انداخته
تا مانع شود که کشتیهای قشون متحده داخل
بندر شود و پس از رسیدن قشون متحده
به بندر بالاکلاوا در سمت خشکی به
جوب سنکر قابلی بنا نشده بود و منحصر
بود بیک دیواری که جهة مزقل سوراخ کرد

و در جمیع اینها هزار عرّاده توب بزرك
قرار داده بودند حال سنکرهای مختلفهٔ
که قشون متحده در مقابل بنا کرده بودند
از این قرار است اولا در مابین اردوی
قشون متحده درّه بسیار بزرکی واقع شده
بود که متصل به بندر نظام میشد و در
مشرق این درّه قشون انکلیس بودند و در
مغرب فرانسه ها واقع شده بودند مهندسین
قشون فرانسه در نهایت عجله خط حملهٔ
که مرکب از سنکرهای مختلفه است در جلو

دیوار

دیوار سنکی که عقب انرا خاکریز کرده بودند
و سنکر باغ و سنکر بیدق بنا نمودند و قشون
انکلیس در سمت مشرق این خط حمله خود را
در کمال اشکال و صعوبت بنا نمودند زیرا
که بمجرد اینکه روسیها دیدند که انکلیس ها
خیال سنکرسازی و حفر کردن زمین را
دارند عمله جات را بهدف مبتلا میساختند
در منتها الیه قشون انکلیس در سمت
مشرق یک سنکری که شامل شش عرّاده
توب بزرك بود ساخته بودند از برای حملهٔ

اخر بندر سواستپل و یك سنکری که
شامل دو عراده توب هشتاد و چهار پوند
و یك عرّاده توب لان کاستر که کلولهٔ
ان بیشتر از صد پوند است قرار داده بودند
و در مقابل باستیان کراند ردان روسی
باستیان ناج را بنا نموده که شامل بیست
و شش عرّاده توب بود و در مقابل
بندر نظام باستیان دیکر که مسمی به
تپه سبز بود بانضمام بیست و شش
عرّاده توب بنا نموده و در میان دو باستیان

آخر

اخری باستیان کوچکی بنا نموده که شامل
چهار عرّاده توب بود اینست تفصیل
تدارك محاصرهٔ سباستپل **فصل پنجم**
روز هیفدهم ماه اکتبر در وقت طلوع افتاب
توپ اخبار اتش فشانی عمومی از اردوی
متحده انداخته شد فی الفور بیک مرتبه
از باستیان قرن تین که واقع بود در منتهای
چپ اردوی متحده تا باستیان اینکرمان
که منتهای راست اردو بود جمیع باستیانها
و سنکرهای مابین بنای اتش فشانی و تیر

اندازی کردند و در همان آن باستیان و
سنکرهای روسی هم بنای جواب دادن را
کذاردند و دران روز از لرزش زمین و
تیره کی هوا و صدای توب و کلوله که بمثل
باران میبارید محشری برپا شده بود بعد از
دو ساعت باین حالت معلوم شد که در
میانه جمیع باستیانهای روسی سوای برج
مستدیر که زیاد محکم بود و قدری خسارت
و خرابی جزئی که در او هم رسیده بود ما
بقی بحال خود باقی بودند دو ساعت بظهر مانده

از طرف

از طرف روسی یک کلوله خمپاره آمد و افتاد
در وسط یکی از قورخانهای فرانسه و آتش زد
پنجاه نفر کشته شد و باین واسطه آتش فشانی
فرانسه کم کم سست شد تا آنکه بکلی موقوف
شد از ظهر به بعد کشتیهای متحده بنای
دعوا را کذاردند و سهم خود را در اینمقدمه
از دست ندادند دریابیکیهای انکلیس و
فرانسه قرار داده بودند که کشتیهای فرانسه
با باستیانهای جنوبی سباستپل دعوا کنند
و کشتیهای انکلیس با فرت کنسنتانتین

و سنکر و باستیانهای شمالی منازعه نمایند
و مقرر داشتند که کشتیهای کوچک دودی
کشتیهای بزرک بادی را حمل نموده تا آن موضعی
که تیر رس باستیانها باشد و نیز مقرر شد که
وضع و ترکیب این کشتیها در جنب یکدیکر
بشکل هلالی باشد در ظهر کشتیهای فرانسه
هریک بموضعی که بجهة آنها معین شده بود
رسیدند و مشغول بدعوا شدند و تقریبا
یک ساعت بعد از ظهر کشتیهای انکلیز نیز
بمواضع مخصوص خود رسیدند و مشغول

شدند

شدند ابتدا دو کشتی دودی انکلیس که یکی
مسمی بتریبل و دیکری مسمی بسامسن بود از
زیر آتشخانه فرت کنسنتانتین رد شده
خود را بنزدیکی دو باستیان روسی که اهل
کشتی یکی از آنها را که بایشان زیاد آزار
میداد باستیان زنبور نام نهاده بودند
و دیکری که در نزدیکی تلکرافخانه بود
باستیان تلکرافخانه نام نهاده بودند
رسانیده لنکر انداختند و بنای خمپاره
اندازی برابر روی این دو باستیان کردند

وسرادِ ماندلا یاتز که در بابیکی و بر بود از
انکلیس دو کشتی اقامم نن نشسته امده در محاذی
فروت کنس تان تین بمسافت هشتصد ذرعی
لنکر انداخت و بنای تیر اندازی را کذارد بواسطه
بواسطهٔ کمال قربی که این کشتی بسنکرهای
روسی پیدا کرده بود و احتمال ضرر کلی داشت
بجهة روسی لهذا کمال جد و جهد را در اتش
فشانی کرده که یا این کشتی را خورد ساخته یا
انکه بعقب برود ولی این کشتی مدت چهار
ساعت از موضع خود حرکت نکرد با وجودیکه

جمیع شراع و ریسمانهای این کشتی پاره شده
بود و کلوله توپ سه چهار موضعش را
سوراخ کرده و بسیاری از سربازانش را هم
کشته بود دو کشتی دودی دیکر که یکی
مسمّی بالبیان و دیکری مسمّی بلندن بود
بهوای امداد این کشتی امدند و هنوز
نرسیده اسیب و اذیّت زیادی دیده مراجعت
نمودند کشتی سان پاریل دو طلب شده
بامداد رفت و خود را بان کشتی رسانیده
قدری هم با او در دعوا شریک شد بعد

نتوانست که مقاومت بیاورد لابد رجعت
نمود بهر جهة همین کشتی اقامم نن بتنهائی متحمل
جمیع اتشخانهای فروت کنس تان تین بود لهذا
سرادِ ماندلا یاتز یکی از صاحب منصبان را
بلتکه نشانیده فرستاد به نزد کشتی که
مسمّی به بلرفان بود و این پیغام را فرستاد
باین عبارت که پیش بیاید این اتشخانه
فروت کنس تان تین مرا غرق و هلاک میکند
و بجدا که اکر از این مکان حرکت کنم بمحض
رسیدن این پیغام کشتی بلرفان بامداد

او امد و نصف اتشخانهٔ فروت کنس تان تین را
بسمت خود کشید و مدتی ایستادکی نمود
تا انکه یک کلولهٔ خمپاره در میان کشتی
افتاد و اتش زد انوقت خود را بعقب کشید
که اتشخانه را خاموش کند در این روز
کشتیهای فرانسه هم انچه لازمه رشادت
و شجاعت بود بجا اوردند این بود تفصیل
روی اب رجعت کنیم بسوی خشکی از جانبین
متصل اتش فشانی میشد تا چهار ساعت
بعد از ظهر در انوقت ناکاه صدای مهیبی

شنیده شد و هوا تیره و تار گردید و سنگ
و گرد و غبار از زمین بلند شد بعد معلوم
شد که قورخانه باستیان ردان بزرگ
آتش گرفته بود و از آن وقت به بعد تیر
اندازی روسی تخفیف یافت تا مغرب که بکلی
از جانبین موقوف شد و کشتیها هم خود را
بعقب کشیدند روز بعد معلوم شد که
انگاریکه باید کشتیها از پیش برده باشند
نبرده بودند اگرچه توپچی و سرباز روسی
خیلی کشته شده بود ولی در باستیانها

خرابی بهم نرسیده بود از کشتی های انگلیس
چهل و چهار نفر کشته و دویست و شصت
و شش نفر زخمی شده بودند تعداد کشته
و زخمی فرانسه از انگلیس زیادتر بود و
من بعد تا آخر محاصرهٔ سباستپل کشتی
های متحده خود را در قلعه خرابی دخیل
نکردند روز هیجدهم اکثر سنگرهای انگلیس
تنها مشغول با آتش فشانی شد زیرا که فرانسه
مشغول بتعمیرات باستیان و سنگرهایش
بود در همان روز سه ساعت بظهر مانده

ژنرال لودرز با هفت فوج پیاده نظام و چهار
هزار سوارهٔ نظام و شش عراده توپ کوچک
از قشون روسی بسمت سنگرهای بالاکلاوا
حرکت نمودند فورا سوار نظام و فوج چهل و
دویم و نود و سیم کوه پایجات انگلیس حاضر
دعوا شدند ولی لازم نشد زیرا که از سنگرها
چند تیر که انداختند روسیها خود را بعقب
کشیدند و رجعت نمودند دو روز بعد باز
روسیها بهمین تفصیل حرکت نمودند و از
طرف مقابل هم بهمان تفصیل جواب داده شد

روز بیست و یکم باز روسیها یورش بسمت
سنگرهای فرانسه آوردند ایشان هم
برشادت و جلادت جواب گفته پس نشانیدند
و از هیفدهم تا بیست و یکم آتشخانهای
جانبین متصل در کار بود و در این چند
روز از روسی زیاد کشته شد و از قشون
انگلیس در روی خشکی تعداد کشته منحصر به
بیست و دو نفر و زخمی یکصد و دوازده
نفر بود و از قشون فرانسه پنجاه هشت نفر
کشته و چهار صد و شصت و پنج نفر زخمی بود

اگرچه در این مدت نزاع بقشون متحده از
حیثیت جنگ وجدال چندان اسیبی نرسیده
بود ولی بواسطهٔ سبب های خارجه بایشان
زیاد اذیت رسید از روزیکه قشون متحده
بخاك كريم رسیده بودند از یکطرف چادر
وخیمه نداشتند که از بارش وغیره خودرا
محفوظ دارند واز بابت دیگر بالاپوش
درستی هم نبود که از سرما وتغیرات هوا سالم
باشند واذوقه بقاعده هم بسرباز نمیرسید
که تقویت مزاج کرده بتوانند مشقت وصعوبتهای

بی دربی را متحمل شوند لهذا از گرسنگی وبرودت
هوا ناخوشیهای غریبه از قبیل وبا وحیضه
وغیره دراردو شیوع پیدا کرده وبسیاری
از قشون را تلف نمود **فصل ششم**
سردارهای روسی یقین داشتند که شهر
سباستپل محال الفتح است وگرفتنی نیست
وچونکه بندر بالاکلاوا که در تصرف
انگلیس بود ودو بندر دیگر که یکی بندر
کمیش ودیگری بندر استرلیدس کیا
که در تصرف فرانسه بودند لازم بود

بجهة قشون متحده نگاهداری ایشان که
هرگاه یکی از انها را از دست میدادند
تنگی وعسرت وخرابی زیادی بجهة قشون
متحده میشد لهذا از جهة استحکام وحفظ
این بندرات قشون انگلیس چهار سنگر
کوچك در بالای تپه هائی که در دره
بزرك كه در سمت شمال مشرق بالاکلاوا
واقع است ساخته بودند وسپرده
بودند بساخلو سربازان رومی که تازه
بکریم رسیده بودند واینمرحله را هم

روسی فهمیده بود لهذا خیال گرفتن
اینها وتصرف بندرات را روسی کرد
ودرسند بر امد روز بیست وپنجم اکتبر
سنه ۱۸۵۴ مسیحی وقت طلوع فجر مشاهده شد
که سوار نظام وپیاده نظام وتوپخانه
زیادی از روسی درمیان دره که در سمت
شمال سنگرهای نزدیك بالاکلاوا
که سپرده بقشون رومی بود جمع شدند
ووقتی که نزدیك بسنگر اول رومی رسیدند
روسیها یك شلیك پر زوری کردند

حضرات رومیها را همه کرده کریختند
بسمت سنکر دومی و در کریختن سوار
قزاق تعاقب نموده بسیاری را تلف نمود
بعد توب چیان روسی توبهای سنکر
اول را بر کردانیده بسنکر دوم و بنای
تیر انداختن را کذاردند ساخلو این سنکر
دوم هم نیز رو بعقب نمود و فرار کردبان
همان سوار قزاق تعاقب نموده بسیاری را
بقتل رسانید معدودی خود را بسنکر
سیم رسانیدند از اینمقدمه لارد رکلن را

مخبر ساختند فورا حکم داد بدوک دکامبرج
و ژنرال سر جارج کاتکارت که با دویزیون
اول و چهارم خود را بتعجیل در محل نزاع
برسانند و خود سردار انکلیس هم با سردار
فرانسه که ژنرال کان ربر باشد رفتند
بانمکان و ژنرال کان ربر ژنرال بسکه را
با دویزیون و قدری توبچی و دویست
سوار نظام مامور کرد بکمک قشون انکلیس
وقتی که سردار انکلیس بموضع دعوا رسید
سنکر سیم هم از دست رومی کرفته شده بود

وجمیع دره ها و اطراف مملو از قشون
روسی شده بود بعد از مشاهدهٔ این
تفصیلات حکم کرد که لارد لوکن جمیع سوار
نظام را حاضر کند و در قلیل زمانی ژنرال
بسکارلت با بریکاد سنکین و ژنرال لارد
کاردکان با بریکاد سبک حاضر شدند
و حال سنکر چهارم را هم قشون روسی از
دست رومی کرفته و سرباز رومی شکست
خورده و مغشوش پناه برده بعقب افواج
کوه پایه جات انکلیس و روسی سنکرهای

رومی که در بلندی واقع بود متصرف
شده و کم کم هزار و پانصد سوار جمع آوری
کرده بیک مرتبه بر روی افواج کوه پایه
جات تاخت آوردند و چونکه در علم جنک
قرار است که در حالتیکه سوار تاخت به
پیاده می آورد باید که پیاده از افراد خود
قلعه ساخته مدافعه کنند ولی در این
مقدمه سرکردهٔ افواج کوه پایه که ژنرال
سرکولین کامبل نام داشت حکم بقلعه
سازی نکرد و سوار دشمن در حالت تاخت

نزدیک میشدند تا انکه دریک وقتی سرکرده حکم
بشلیک داد و بسیاری از سوار روسی از اسبها
ریختند و بان تاختی که سوار می امد نتوانستند
که عنان نگاهدارند که شلیک ثانی شده و سرباز
بعمل بیک خزان از اسبها ریختند ما بقی فرار
کردند بعد ژنرال سرگلین کامبل ایراد گرفتند
که چرا موافق قانون حرکت ننمود و قلعه نساخت
جواب گفت که اینها را قابل ندانستم پیاده
نظام در این روز شجاعت و جلادت خود را
نمود من بعد کار دعوا رجوع بسوار نظام است

بعد از انکه سوار نظام روسی شکست خورد
رجعت نمود بسوی بلندیها و در انجا فورا
اینقدر مدد رسید که از تمام سواره انگلیز
که در کریم حاضر بودند زیادتر شد بعد از
رسیدن امداد بسوار روسی یورتمه وار
از روی بلندیها بسمت چپ بالاکلاوا روانه
شدند و معین بود که نمیدانستند سوار نظام
انگلیس در کجا هستند زیرا که در روی بلندی
که رسیدند دیدند که بریکاد سوار سنگین
انگلیس صف ارائی کرده مهیای دعوا هستند

و کسانیکه دران دعوا حضور داشتند چنان
خیال میکردند که از کثرت و بسیاری سوار
روسی سوار انگلیس بدون دعوا خود را
بعقب خواهد کشید بر تعجب همه افزوده
شد وقتی انگلیسها صبر کرده که روسیها
نزدیک شدند بیک مرتبه ژنرال اسکارلت
حکم بتاخت داد و خود را بر قلب روسیها
زد و افواج نیله اکسه و انیس کلین از باقی
بریکاد پیش افتاد سوار روسی را خود را
پهن کرده که دور این سوار را احاطه

کنند ولی این افواج تامل ننموده یکی بسمت
راست و دیگری بسمت چپ سوار روسی
رفتند و خود را داخل روسیها کرده بسیاری را
کشته و تلف نمودند و از عقب هم افواج
اول و چهارم و پنجم ملتزمین رکاب رسیده
انچه از زیر دست سوار باقی مانده بود
کشته و بقتل رسانیدند اگرچه تا بحال
سوار انگلیس مظفر و منصور بودند ولی
باز نصف کار را که باید امروز از پیش
برده باشند نبرده بودند زیرا که این

دویزیون روسی که شکست خورده و
هنوز انکلیس ها جمع آوری خود را ننموده بودند
که دویزیون دوم سواره روس صف بسته
مستعد دعوا هستند باز همان دو فوج که
اوّل ذکر شد خود را بر این دویزیون
دویم روسی زده بعد از کشتن بسیاری
شکست خورده فراری شدند در اینهنگام
لارد رکلن دریافت کرد که روسی ها میخواهند
توپهائیکه در این چهار سنکر بوده است
متصرّف شوند فوراً لارد رکلن سردار کل

قشون متحده این حکم را بلارد لوکن که ژنرال
کلّ سوار نظام انکلیس بود باین مضمون
نوشت که با سواره بریکاد سبک پیش بروید
و زور بیاورید بلکه سنکرها را از روسی
پس بکیرید و بجهة امداد حکم داده ام که پیاده
نظام از دو سمت بامداد شما بیایند ولی
تا بحال معلوم نشد که چکونه لارد لوکن موافق
این حکم رفتار ننمود زیرا که لارد رکلن
بعد از اینکه دید هیچ حرکتی نشد دوباره این
حکم را نوشت که لارد رکلن حکم میکند به

سوار بریکاد سبک که با کمال تعجیل یورش
بیاورید و عقب دشمن را بکیرید و نگذارید
که توپهای سنکرهای مذکوره را دشمن ببرد
و یکدسته توپخانه سبک هم همراهتان
برود و سوارهای فرانسه هم در سمت چپ
شما است تعجیل کنید بمحض اینکه این حکم
بدست ژنرال لارد لوکن رسید داد به
کاپتین نلن که بژنرال لارد کارد یکان که
سرکردهٔ بریکاد سبک بود برساند وقتی
که این حکم بسرکردهٔ مزبور رسید دیر شده

بود و توپها را دشمن مبلغی راه برده بود و
در سمت راست و چپ در بالای بلندیها
روسی توپ های شان را بر وسط این دره
نقطه کرفته اند و بجهة پس کرفتن توپها
باید از این وسط رد شد سرکرده انکلیس به
کاپتین نلاون کفت که فرضا پیش رفتیم چه
حاصل خواهد بخشید و او در جواب کفت
که در انجا هم دشمن است و هم توپ ها با من
بود ابلاغ حکم لهذا سردار انکلیس با وجودیکه
بعینه میدید که این کار از جملهٔ محالات است

علی الخصوص که جمعیت شان ششصد و
هفت نفر بوده بد چون حکم صریح بود بان
امر بتاخت نمود و یک نکته است که باید
ذکر نمود این ششصد و هفت نفر سوار نظام
باقی مانده افواج چهارم و هشتم و یازدهم و
سیزدهم و هیفدهم است که سایر بناخوشیهای
غریبه تلف شده بودند بهر جهة در این تاخت
اول کسیکه کلوله خورد کاپتین نلان بود
و هر قدر که پیش میرفتند از دو طرف کلوله
مثل باران بر سر این بیچاره ششصد نفر سوار

بریکد

میریخت و میکشت با وجود این رو کردان
نشده رفتند تا رسیدند بتوپها و از دست
دشمن گرفتند در انوقت سردار روسی
بتمام قشونش حکم داد که بر دو قسم شوند
یک قسمت بروند و جلو راه را بر این
سوارها بگیرند و قسمت دیگر اطراف
شان را بگیرند سرکرده سوار انگلیس وقتی
که چنین دید که محالست توپها را ببرد و
جان خود شان هم در خطر است لابد توپهارا
انکار کرده مراجعت نمودند رسیدند بان

قسمت قشونیکه جلو راه را گرفته بودند
همان تاختی که می امدند خود را بر قلب
قشون روسی زدند و بعضی را متفرق
ساختند ولی نظام خود شان هم از دست
داده شد بقسمیکه هر یک سوار با بیست
نفر روسی نزاع مینمود که ناگاه سوار
نظام سنگین انگلیس و سوار الزری فرانسه
با ژنرال بسکه بکمک ایشان امدند و انچه
از سوار نظام بریکاد سبک انگلیس باقی
مانده بود از مهلکه خلاصی یافتند و ژنرال

بسکه

بسکه این عبارترا به سرکرده سوار نظام
انگلیس گفت که از این بهتر نمیشود ولی از
قانون دعوا چنین حرکتی دور بود بعد از
اینکه رسیدگی شد از این بریکاد سوار
نظام سبک انگلیس یکصد و نود و هشت
نفر باقی مانده بودند که از ثلث هم کمتر
بود ولی بعد هم کم کم از انهائیکه زخمشان
سبک تر بود و خود را می توانستند باردو
برسانند و باردو رسیده بودند
بعد که روزنامه شد از اینقرار بود

فوج چهارم انچه کشته شده بود

صاحب منصب	سوار	اسب
دو نفر	سی و دو نفر	پنجاه راس

انچه از فوج مذکور زخمی شده بود

صاحب منصب	سوار
دو نفر	بیست و دو نفر

فوج هشتم انچه کشته شده بود

صاحب منصب	سوار	اسب
دو نفر	بیست و شش نفر	سی و هشت راس

انچه از فوج مذکور زخمی شده بود

صاحب منصب	سوار
دو نفر	هیفده نفر

فوج پانزدهم انچه کشته شده بود

سوار	اسب
سی و دو نفر	هفتاد و دو راس

انچه از فوج مذکور زخمی شده بود

صاحب منصب	سوار
سه نفر	بیست و سه نفر

فوج سیزدهم انچه کشته شده
بود بقراریست که درانصفحه مندرج است

صاحب منصب	سوار	اسب
سه نفر	بیست و چهار نفر	هفتاد و شش راس

انچه از فوج مذکور زخمی شده بود

سوار
چهارده نفر

فوج هیفدهم انچه کشته شده بود

صاحب منصب	سوار	اسب
سه نفر	سی و سه نفر	نود و نه راس

انچه از فوج مذکور زخمی شده بود

صاحب منصب	سوار
چهار نفر	سی و چهار نفر

و جمع کل از قرار تفصیلی است که مذکور میشود

جمعا انچه کشته شده بود

صاحب منصب	سوار	اسب
ده نفر	یکصد و چهل و هفت نفر	سیصد و سی و پنج راس

جمعا انچه زخمی شده بود

صاحب منصب	سوار
یازده نفر	یکصد و ده نفر

باوجود رشادت و دعوائی که بریکاد
سنگین کرده بودند تعداد کشته منحصر بود
به هفت نفر سوار و بیست و هفت راس

اسب و زخمی منحصر بود بهشت نفر صاحب
منصب و هفتاد و هشت نفر سوار
دعوای این روز که مشهور بدعوای بالا
کلاو واست باوجودیکه از روسی زیاد
کشته شد وخسارت کلی دیدند و رشادت
وجلادتی که سوار نظام انکلیس در این
روز نمود تا بحال نشده بود و سرمشق
این کونه دعواها شد باز وقتی که
ملاحظه نمودند منفعت را روسی
کرده بود زیرا که اولا چهار سنکر را

متصرف شده بود وثانیا توب هائیکه
بدست رومی بود کرفته بود وثالثا انکه
از همه جهت از برای انکلیس بدتر شده بود
چونکه راه بزرك از بندر بالاکلاو وا
تا اردوی انکلیس بواسطه کرفتن این
سنکرها مسدود شده بود از این دعوای
امروز که روسها کرده بودند جی شده
روز بعد نزدیك بظهر از سمت شرق
شهر سباستبل تقریبا ده هزار نفر
پیاده نظام وتوبخانه زیادی بیرون امدند

وبسمت دویزیون دوّم انکلیس حرکت
نمودند سرکردهٔ این دویزیون که ژنرال
سر دلیسی اونس بود فورا تمام دویزیون
خود را صف ارائی نموده ومنقسم بدو
قسم کرده یکی راست ودیکری چپ قسمت
چپ را بژنرال پن فادر واکذار نمود و
قسمت راست را بژنرال ادمس واکذار
کرد وتوبخانه اش را هم در وسط قرار داد
ومنتظر دشمن بود که در این بین جناب
دوك دکامبرج بریکاد پیاده نظام ملیتین

دکابی را بامداد فرستاد و سرجارج برون
دو توب سبك بامداد فرستاد و سر جارج
کاتکارت یك فوج قره میناچی فرستاد
وژنرال بسکه از قشون فرانسه پنج با
تالین سرباز فرستاد بهر جهة دویزیون
دوّیم انکلیس منتظر بودند که دشمن به
تیررس کلوله برسد که بیك مرتبه
هیجده عرّاده توب را اتش دادند و
بریکاد راست وچپ بدون اینکه
احتیاجی بامداد هم برسانند یورش برده

روسی را فرار دادند و از حرص و بغضی که
از دعوای دو روز پیش داشتند انکلیسها که
تقریبا هزار نفر بودند دشمن را تعاقب نمودند تا
پای دیوار شهر بنحویکه سرداران بر جمعیت
سرباز را بر گردانیدند و در مراجعت شش
صد نفر کشته روسی بشماره امد و از
انکلیس دوازده نفر کشته و هشتاد نفر
زخمی بود بعد از انکه این رشادت و شجاعت
از سرباز انکلیس سر زد و از انطرف بتواتر
بانکلیس خبر رسید که سربازش از بی اذوقگی

و بی بالاپوشی علی الخصوص از بی مریضخانگی
کمال تنگی را میکشند و اقلب که زخمی میشوند
از بی پرستاری میمیرند لهذا اکثر رعیت
بصدا امده بر پیشکاران دولت ایراد
گرفتند و منتظر این نشدند که دولت
جمیع ملزومات را بفرستد هریک از امنا
و اعیان دولتمند و فقیر بقدر قوه
و استطاعت خود از اذوقه و بالاپوش
در کشتی بارها کرده روانه نمودند و از
جمله کارهائیکه کمکی میکند این بود

که دختری میس نای تین گل نام که از جمله نجبا
و معروفین و بادولت بود محضا لله باسی و
هشت نفر خدمتکار زنانه در بیست و سیم
ماه اکتبر از انکلیس بکشتی نشسته بعزم کریمه که
پرستاری مریضها را بکنند روانه شد
و بعد از انهم در دویم ماه دسامبر چهل و
هفت نفر زن دیگر از انکلیس همین خیال
بکریمه امدند قشون فرانسه هم بهمان
حالت قشون انکلیس بود ولی چون در
فرانسه این گونه ازادیهائیکه در انکلیس هست

نیست که این اخبار را بدون اجازهٔ
دولت شیوع بدهند لهذا رعیت
فرانسه از احوال قشونش اطلاع نداشت
و این کاریکه رعیت انکلیس کرد او نکرد
اما دولت فرانسه مندرجا انچه لازم
بود بجا اورد و درسد در رفاهیت قشونش
برامد **فصل هفتم** روز بیست هشتم
ماه اکتبر ژنرال دانم برک با امدادی
بجهة قشون روسی بباغچه سرا وارد شد
که روز نوزدهم اکتبر از اودسه برداشته بودند

وبجهة انکه خود را بزودی برسانند بدون
اینکه سرباز خسته وماند شود لهذا اهالی
چه مال وعراده وکالسکه از رعیت بود
گرفتند وسرباز را حمل نمودند وروز سیم
نوامبر یك دویزیون از این امداد که
محکوم ژنرال سیم نف بود وارد شهر سباستپل
شدند ودویزیون دویم ان که محکوم ژنرال
پاولف بود دریك فرسنگی شهر بسمت
مشرق که انکرمانرا جاکوم میگفتند اردو
زدند وبرداره‌های روس وقتیکه این امداد

رسید وزور خود را زیاد دیدند قرار دادند
که با این جمعیت گزاف بر قشون متحده یورش
بیاورند وسنگرهائیکه ساخته بودند بگیرند
ودو پسر امپراطور روس که یکی گراند دوك
میکائل ودیگری گراند دوك نیکلا بودند
بسباستپل امدند بجهة تقویت دادن قلوب
قشون وروز چهاردم نوامبر در سباستپل
در جمیع کلیساها نماز مخصوص خواندند و
بعد از نماز کشیشهای بزرك بمنبر رفته
سربازان را باین عبادت اقوا نمودند که در

این دعوا اگر کشته شدید که از جمله شهدا
هستید ودر بهشت مکان خواهید داشت
واگر فتح کردید اردوی فرانسه وانگلیز که
مملوا وضاع وغنیمت است تمام تعلق به
خودتان خواهد داشت در سمت راست
اردوی انگلیس چنانچه پیش گفتیم رودخانه
چرنائیا بود وبر روی ان از قدیم پلی ساخته
بودند واینوضع را اینکرمان مینامیدند
این نقطه از جمیع نقاط قشون متحده کم قوة
تر بود بواسطه انکه اقل سرباز ناخوش و

تلف شده بودند ونمیرسیدند که باستیان
پاسنگری در انجا بسازند وهر قدر هم که
از فرانسه خواهش کردند که چون خط حملهٔ
شماها کمتر است قدری مدد بماها بدهید
که در اینوضع سنگری بسازیم فرانسه‌ها
قبول نکردند باوجود این یك سنگر بسیار
مختصری که جای دو توب داشت ساختند
ولی هنوز توپش را نیاورده بودند رای سرداران
روسی در شورای جنگی بر این قرار گرفت که
پرنس گرجگاف با یك دویزیون برود بسمت

بالاکلاوا خودی بنماید تا آنکه خیال انکلیس
ها را بانجا مشغول کند و ژنرال تیم فربایك
دو بزیون برود بسمت اخرچب قشون متحده
و او هم نیز خودنمائی کند و فرانسه ها را مشغول
کند و ژنرال دانم برك با تمام قشون تازه
روسی که بامداد امده بودند برود بسمت
اینکرمان که مذکور شد چندان قوتی
نداشت وان دو دویزیون اول را که
بان دو سمت فرستاده بودند بجهة این بود
که امر را مشتبه کنند و بخیال خودشان

یقین داشتند که اینکرمان را خواهند گرفت
و کار قشون متحده را مغشوش خواهند کرد و
فی الحقیقه اگر بکلی اینکرمان را گرفته بودند
زیاد بد میشد بجهة قشون متحده این قشون
تازه روسی چنانچه مذکور شد دو دویزیون بودند یکی محکوم ژنرال سیمنف و دیگری
محکوم ژنرال پاولف جمعیت اولی شانزده
هزار و دویست پیاده نظام و بیست و دو
عراده توب سنگین و شانزده عراده توب
سبك و جمعیت دومی سیزده هزار و دویست

نفر پیاده نظام و دوازده عراده توب
وسط که جمعشان روی هم رفته بیست و
نه هزار و چهارصد نفر پیاده نظام و پنجاه
عراده توب و در آن شبی که روسیها
این خیال را کرده بودند مه غلیظی در هوا
بود و چشم بچشم کار نمیکرد در این تاریکی
توب های زیادی در بالای بلندیهای آن
طرف رودخانه چرنایا که مشرف بود بر
اردوی انکلیس کشیدند که یك گلوله روسی
بر خاك نمی افتاد دو ساعت بصبح پنجم نوامبر

مانده خبر بردارکل انکلیس دادند که روسی
ها بسمت بالاکلاوا امده اند فوراً ژنرال
بسکه با دویزیونش از قشون فرانسه و ژنرال
سرکلین کامبل با دویزیون کوه پایه جات
انکلیس در آنجا حاضر شدند و از سمت این
کرمان یکساعت بصبح مانده در میان مه
فوج فوج از سرباز روسی از رودخانه
چرنایا رد شدند بدون صدا در حالت
آرامی رو به بلندیهائیکه مذکور شد
کردند بخصوص دو باو سنگر ناتمام و بی

استعداد کردند و ساخلو این سنگر پیش
قراول فوج پنجاه پنج بودند که بیک مرتبه
غفلتا دیدند که جمعیت و ازدحام زیادی
از دشمن است این معدود سرباز بعد از
قلیل وقتی که ایستاده گی نمودند و بجنگ
وگریز خود را بسنگر رسانیدند و از
سوراخهای سنگر بروی دشمن شلیک
تفنگ کردند و ژنرال پن فادر که بواسطه
ناخوشی سر دلیسی اونس دو بزیون دوم
باو سپرده شده بود برودی با دو بزیونش

در این

در این موضع نزاع حاضر شد و بجهة امداد
پیغام فرستاد بدو بزیون اول و چهارم
و سبک و سرکردهٔ این سه دویزیون
که جناب دوک دکامبرج و سرجارج
کات کارت و سرجارج براون بودند به
تعجیل تمام خود را رسانیدند ولی آن
پیش قراولان فوج پنجاه و پنج بواسطهٔ
کمی جمعیت و زیادی دشمن و آتش خانه
های زیاد از قبیل سنگرهای زیاد اطراف
و توپ‌های کشتیها که در بندر سباستپل بودند

و این توپهائیکه تازه بر بلندیها کشیده
بودند سنگر را از دست داده بودند در
آنوقت فوج چهل و یکم و چهل و نهم انگلیس با
نیزه پیش دعوا کردند و روسی را بعقب دوانیدند
و سنگر را پس گرفتند ولی بعد باز کمک
از جانب روسی رسید و با وجود پا
داری زیاد این دو فوج روسی زور آور
شد و سنگر را تصاحب نمود در این جدال
بواسطه صدای توپ و تفنگ و غیره
تمام اردوی متحده مطلع شدند و لارد رگلن

خودرا

خود را بمحل دعوا رسانیده بود و احکامی
که لازم بود داده بود و در آن بین افواج
بیستم و چهل و هفتم انگلیس بامداد این دو
فوج مذکور آمدند و در میان بارندگی
گلوله توپ و تفنگ دشمن این دو فوج
تازه نفس فرصت بدشمن ندادند و از
سنگر بیرون کردند وقتیکه انگلیسها
داخل سنگر شدند چیزیرا مشاهده نمودند
که تا بحال هیچ دشمنی بدشمن خود چنین کار
نکرده بود و آن این بود که تمام انگلیسها

که در یورش پیش زخمی شده و در سنکر مانده
بودند تمام را بضرب قداره و سرنیزه چنان
کرده بودند که نعش این بیچاره‌ها از یکدیگر
تشخیص داده نمیشد و برادر برادر را نمی‌شناخت
و بعد سه باره امداد بروسی رسیده
یورش آوردند و هر قدر انکلیس‌ها پایداری
کردند بجائی نرسید لابد سنکر بازیتصاحب
روسی درآمد در انوقت دوک دکام
بریج با افواج ملتزم رکاب رسیدند و حکم
یورش داده شد و بشدتی پیش رفتند که اگر

چه روسی‌ها با ضعاف مضاعف بودند ولی
باز بمثل پشه که از باد میگریزد روسیها را
پس نشانیدند و از ان سنکر کذشته از
بلندیهم پرت نمودند باز مجدداً کمک بروسی
رسید که تقریباً شش هزار نفر شده بودند
و همه یکبار حمله بر سنکر آوردند و از افواج
ملتزمین رکاب در میان سنکر بیش از ششصد
نفر نبودند وقتی که روسیها یورش آوردند
انکلیس‌ها صبر کردند تا انکه دشمن نزدیک
شد بیرون آمده بنیزه پیش دعوا کرده پس

نشانیدند دو باره روسیها زور آورده
ایضا انکلیس‌ها بیرون آمده پس نشانیدند
تا سه مرتبه در مرتبه چهارم فشنک انکلیسها
تمام شد انوقت با سرنیزه و سنک و ته
قنداق و غیره قدری خودداری کردند
بعد دیدند که بجائی نمیرسد کم کم خودرا
بعقب کشیدند و در انوقت روسیها
تجاوز نموده بودند و جلو راه را بر اینها
کرفته بودند بعد از مشاهده این انکلیس‌ها
بیک مرتبه با نیزه پیش دویدند و خودرا

برقلب صف روسی زده باردو رسیدند
در وقتیکه باین تفصیل اتفاق افتاده
بود ژنرال سیمنف با دویزیونش از سمت
راست محل این دعوا امد که در محاذی
ما بقی دویزیون دوم واقع شده بود سرکرده
انکلیس هر قدر توپخانه که در نزدیکی حاضر
بود جمع آوری نمود و از فرط مهارت توپ
چیان انکلیس در نشانه زدن هر قدر روسی
جد و جهد میکردند که پیش بیایند ممکن
نمیشد تا انکه قورخانه این توپها تمام شد

روسیها یورش آوردند و چهار توپ از
انگلیس گرفتند ولی طولی نکشید که سرباز
انگلیس بدون فشنگ با ضرب نیزه پیش تعاقب
نموده این چهار توپ را پس گرفتند سر
جارج کاث کارت وقتیکه دید کار دعوا
مایه گرفته است احتمال آن دارد که بجای
بدی بینجامد لهذا با دویزیون چهارم انگلیس
سمت راست قشون روسی را گرفته که
یورش بپهلوی قشون روسی بیاورد
با این خیال رفتند درمیان دره کوچکی که

در سمت

در سمت راست روسی واقع بود آمدند و
خبر نداشتند که روسیها در دو طرف این
دره بخو کرده اند بیک مرتبه روسیها
از بخو در آمده بنای تیر اندازی گذاردند
و سر جارج کاث کارت در جلو با تمام دویز
یونش بنای جدال را گذارد که یک وقتی
سربازها فریاد بر آوردند که فشنگ ماها
تمام شده است ژنرال رو برگردانید و
گفت اگر فشنگ تمام شده است سرنیزه بجال
خود باقیست هنوز این حرف را تمام نکرده

که یک گلوله آمد و بر بناگوشش خورد و از
اسب افتاد جان را تسلیم نمود بعد از آن سربازان
بی سر کرده جرئت ننمودند و مراجعت کردند
و یکساعت بظهر مانده وقتی است که قشون
انگلیس از شدت دعوا و خستگی و قلت جمعیت
نزدیک بهلاکت رسیده بودند و از آن
طرف ژنرال بسکه فهمیده است که روسی
هائیکه بسمت بالاکلاوا آمده اند خیال
دعوا ندارند بلکه میخواهند مشغول کنند
و صدای توپ و تفنگ و غیره که از سمت این

کرمان

کرمان می شنید فهمید که محل دعوای عمده در
انجاست لهذا دویزیونش را برداشته بامداد
انگلیسها آمد بمحض رسیدن فرانسه ها با انگلیسها
مخلوط شدند و شانه بشانه و نیزه بنیزه بر
روی تمام روسی یورش آوردند بطوریکه
در عقب نشستن بسیاری از روسی برو
افتاده پایمال شدند و در این بین لارد
رگلن حکم داده بود که چند توپ بر بالای
تپه های اطراف بکشند و در وقتیکه روسیها
شکست آخری را خوردند و فرار میکردند توپ

هیجده پوند هم روسیها جا گذارده بودند جمیع
این توپها را با آن دو توپ بر دو یشان برگردانیده
وسرباز روسی را بمثل برگ خزان بر زمین ریختند
اینست تفصیل دعوای اینکرمان روی هم رفته در
اواخر دعوا هشت هزار نفر انگلیس و شش هزار
نفر فرانسه بودند و تقریبا شصت هزار نفر
روسی و با وجودیکه قشون متحده غافل از این
حرکت وحیله روسی بودند باز چنین فتحی را
کردند و در این روز کشته و زخمی و مفقود
از اینقرار است از قشون انگلیس ژنرال سه نفر

کات کارت کولدی استرانک اونر و سه
نفر ژنرال زخمی که برون و تاردنز و بن تیک
بودند و صاحب منصب کشته سی و هفت
نفر بودند سرباز کشته سیصد و نود و نه
نفر بودند انچه مفقود شده بود یکصد و
نود و هشت نفر بودند وانچه زخمی شده
بود از صاحب منصب و سرباز یکهزار و
نه صد و پنجاه و دو نفر بودند که جمع
کل از کشته و زخمی و مفقود دو هزار و
ششصد و دوازده نفر بودند چون بیشتر

از هشت هزار نفر از قشون انگلیس در این
دعوا حاضر نبودند لهذا معلوم میشود که
از اینها نزدیک بثلث یا کشته یا زخمی یا مفقود
شده بود و روسیها در این روز اقرار دارند
که دو هزار و پنصد و شصت و نه نفر صاحب
منصب و سرباز کشته شدند که چهل و دو نفر
صاحب منصب بوده اند و پنج هزار و هفتصد
و نود و یک نفر زخمی که دویست و شش نفر صاحب
منصب بوده اند که مجموع کشته و زخمی روسی
هشت هزار و هفتصد و شصت نفر بودند ولی

تخمینی که قشون متحده از کشته روسی که در
این دعوا بر زمین افتاده بودند علاوه بر ضعف
این عدد بودند در وقتی که این دعوای بزرگ را
در سمت راست قشون متحده روسیها می کردند
در سمت چپ هم دعوای مختصری با فرانسه ها
کردند باین نحو که صبح بسیار زود روسیها
با ژنرال تیمفر و با توپخانه زیادی غفلتا بر
روی سنگرهای فرانسه ریختند و هنوز
فرانسه ها از کم و کیف مطلع نشده چند
توپ از روسیها میخکوب کردند بعد از اینکه

فرانسه‌ها از حالت بیهوشی بیرون آمدند
خود را جمع آوری کرده و با ژنرال دلامت روز
روسیها را از سنگر بیرون کردند و تقریبا
دویست نفر سرباز روسی را کشتند و فورا
خبر هم بسرکرده‌هان دو یزیون که ژنرال کرم
باشد رسید امدادی فرستاد و دشمن را
تعاقب نمودند تا پای قلعه سباستپل که
بزحمت سرکرده‌ها سربازان را برگردانیدند
و در مراجعت آنچه بشماره آمد هزار نفر کشته
روسی بر زمین ریخته شده بود پیش ذکر کرده

بودیم که احوال قشون متحده بچه نحو بود از
حیثیت بالاپوش و آذوقه و غیره که با کمال
صعوبت و تنگی میگذرانیدند تا آنکه روز
چهاردهم نوامبر بدبختی قشون متحده بسر حد
کمال رسید یک طوفان و باد شدیدی شد
که در قره‌دنگیز که اینگونه باد و طوفانها
زیاد است با این شدت دیده نشده بود صدای
این باد آمد و جمیع چادرها را پاره پاره و
پراکنده کرد و نه کشتی تجارتی که از انگلیس
تازه آمده بودند و تمام ملبوس و آذوقه سربازان

بار داشتند در بندر بالاکلاوا بواسطهٔ
این باد غرق شدند باز اکتفا باین نشده
بعد از طوفان باران شدیدی شد که از
اطراف سیل می‌آمد و زمین اردو را تماما
آب گرفته بود و بسیاری از اسبهای سوار
نظام که در گودی بسته شده بودند آنها را
سیل برد و آنچه بالاپوشی که بعد از آن
باد بجهة سرباز باقی مانده بود باران تر
کرده بود هر جهة فی الواقع بدبختی در آن
شب بجهة این بیچاره‌ها بر حد کمال بوده است

تا اواخر این سال عیسوی سنه ۱۸۵۴ که تقریبا
یک ماه و نیم بود مقدمه عمدهٔ اتفاق نیفتاد
مگر دو دعوای مختصری که از این قرار هستند
قره‌میناچی‌های روسی در چند غاری که در
دره بزرگ فاصله دوار دو بود منزل گرفته
بودند که اهل اردو آن غارها را اشندور
مینامیدند و از آن غارها هر روز اذیت
بقشون متحده میرسانیدند تا آنکه روز
بیستم نوامبر از قشون انگلیس دویست قره
میناچی منتخب کرده رفتند و دعوا کرده

روسی‌ها را تا زندند و ان غادها را تا بآخر
منصرف بودند روز بعد هم سه ساعت
بصبح مانده روسها بسمت راست و چپ
اردوی انکلیس و یورش آوردند در سمت راست
غفلتا بر سر خندق چهارم رسیدند سه دسته
از افواج نود و هفت بزودی حاضر شدند و روسی
ها را شکست دادند در سمت چپ هم باز غفلتا رسیدند
باصل سنکرها دو دسته از فوج سی و هشت
بر سر آنها ریختند و با نیزه پیش شکست داده و
کشتار زیادی کردند **فصل هشتم**

چنانچه پیش مذکور شد که از ما محتاج قشون
متجدده بسیار بد میگذشت و بسیاری باین
واسطه از دست در رفته بودند و این
اخبار متواتر بانکلیس رسیده بود تمام
رعیت هجوم آوردند و وزرائیکه مامور
رسیده کی ملزومات قشون بودند بکلی
معزول کردند و وزرای دیگر بجای ایشان
منصوب نمودند بشرط انکه این وزرای
تازه قسمی بکنند که قشون در کمال رفاهیت
باشند و از هیچ چیز معطل نداشته باشند

و موافق شرط خود رفتار نمودند و کم کم
کار قشون رو ببهبودی نمود در این بین
ملکهٔ انکلیس دستخطی خطاب بوزیر جنک
و مضمونش متعلق بزن وزیر جنک استدعا
از خانم دارم که اخباری که از میس نای
تین کل که در خصوص سربازهای زخمی و نا
خوش بایشان میرسد فورا ما را هم مطلع سازند
اگرچه تفصیل دعوا و نزاع بواسطهٔ
اخبار دولتی بما میرسد و مطلع هستیم ولی
میل و خواهش ما در دانستن احوال ناخوش

و زخمیها زیادتر است تا از چکونکی دعوا
و نیز از میس نای تین کل خواهش داریم که باین
سربازهای بیچاره رشید ناخوش و زخمی از
جانب ما بکوید که احدی بیش از ما غصه و
اندوه شماها را نمیخورد و احدی بیش از ما
چشم انتظار اخبار صحت شماها نیست و
احدی بیش از ما خوشنودتر از رشادت
و شجاعت شماها نیست و دانسته باشند
که تمام خیال ما و پرنس البرت متوجه سرباز
عزیز ماست و یقین داریم که وقتی از این

کاغذ و عقیده ما قشون مطلع شوند قدر
واطمینان ایشان در دعوا باضعاف مضاعف
خواهد شد این کاغذ ملکه را در تمام
روزنامه جات نوشتند و فی الحقیقه
چنان شد که ملکه در کاغذ نوشته
بود بعد از رسیدن روزنامه جات در
اردوی متحده واطلاع تمام قشون از مضمون
کاغذ کویا روح همکی تازه شد و خون شان
بجوش امد و ان اثری که باید ببخشند بخشید
اول کاریکه وزرای تازه کردند بجهة

اسوده

اسوده کی قشون این بود که از بندر بالاکلاوا
تا محل اردو راه اهن بنا نمودند تا انکه
حمل و نقل ملزومات قشون بسهولت
بشود و هرکز تا بحال چنین کاری نشده بود
که در دعوا راه اهن استعمال نمایند و
بجهة این کار هفت کشتی بزرك با پانصد
نفر عمله و تمام ملزومات ساختن راه
اهن از انکلیس مامور نمودند و روز هشتم
فوریه سنه ۱۸۵۵ مسیحی ابتدا بساختن این راه
اهن کردند اکرچه ساختن این راه بواسطه

پستی و بلندیهای متعدد زیاد مشکل بود
با وجود این بعد از پانزده یوم راه اهن
بنای حمل و نقل را از بندر تا اردو کذارد
و در این سال نو اول دعوائی که اتفاق
افتاد در شهر یوپ پاتریه بود که در
انجا عمر پاشا با بیست و پنج هزار قشون
رومی و چند دسته از قشون فرانسه
و انکلیس ساخلو بودند روز شانزدهم
نوریه چهل هزار روسی امدند تا هزار
و دویست ذرعی شهر یوپ پاتریه

وقدری

وقدری اتش فشانی کرده بودند و بعد یورش
بسمت راست شهر از میان یك قبرستانی
اورده بودند در انوقت چند سرباز کشتی
جنکی انکلیس در پشت اسیاب های
بادی که نزدیك ان قبرستان بود پنهان
شده بودند و در حینی که دشمن بقبرستان
نزدیك رسیدند چند تیر شیر هوای جنکی
اتش دادند هواس دشمن را مغشوش
کرده که ناکاه سلیم بیك ژنرال افواج
مصری با سربازهای مصری از شهر بیرون

امد و بقسمی یورش آوردند که مهلت ندادند
بروسی که بعقب نگاه کند با انکه مقاومت
کند تا مسافت زیادی تعاقب نمودند در
بین این یورش خود سلیم بیک هم کشته شد
در این دعوا تقریبا دو هزار نفر روسی کشته
و زخمی شد و از رومی صد و یکنفر کشته و
دویست هشتاد و شش نفر زخمی شدند این
رشادتی که رومی ها در این مقدمه نمودند
قدری از جرم خلافی که در سنکرهای بالاکلاوا
کرده بودند بیرون امدند رجعت کنیم بسوی

سباستپل

سباستپل روسیها چون دیده بودند که نان
خوشی و قحطی در اردوی متحده هست و چندان
قوّة خود دار بر اندارند لهذا پیش دستی
نموده روز بروز سنکر پیش می آوردند
و خود را نزدیک بارد و میکردند و فرانسه
ها هم وقتی که دیدند خط حملهٔ انکلیس
طولانیست و اینقدر جمعیت بانکلیس
باقی نمانده است که از عهده حفظ و حراستش
بیرون بیاید لهذا در سمت اینکرمان چند
سنکر که محاذی مالاکف واقع بود ساختند

بعد از انکه روسیها چنین دیدند که فرانسه
ها بسمت مالاکف سنکر پیش آورده اند و
چونکه مالاکف کلید سباستپل بود انها هم
سنکری در جلو مالاکف ساختند که زیاد نزدیک
بسنکرهای فرانسه شده بود سرداران قشون
متحده در شورا چنین مصلحت دیدند که
این سنکری که روسو تازه پیش آورده بواسطهٔ
کمال قربش زیاد ضرر دارد بهر نحو هست باید
این سنکر را کرفت چهار ساعت بصبح بیست
و چهارم فوریه مانده هزار و ششصد نفر

زواو

زواو و چهارصد نفر قره میناچی فرانسه
از سنکرها بیرون امده بارامی بسمت
سنکرهای روسی رفتند و هزار نفر سرباز
کشتی فرانسه هم بمعاون کذاردند و ارام
ارام پیش رفتند تا بیست ذرعی جان پنهان
سنکر روس بیک مرتبه روسیها شلیک
کردند پنجاه نفر زواو کشته شد و از این
طریق رفتار روسی معلوم شد که روسیها
از این خیال فرانسه ها اطلاع داشته اند
با وجود این بدون تامل زواوها یورش آورده

سمت چپ سنکر را کرفتند و در این بین
تخمینا دو سه هزار روس غفلتا بر روی
سرباز معاون فرانسه ریختند و انها را پس
نشانیدند وقتی که زءاوهای فرانسه باین
نحو دیدند که از دو سمت دشمن است
و سرکرده شان ژنرال مُنِ زخمی شده است
لهذا پس نشستند و داخل سنکر خود شان
شدند و در انجا جمع اوری خود را کرده یک
مرتبه بیرون امدند و بقسمی یورش بردند
که کذشته از انکه روسها را از سنکرهای

تازه بدو رانند تعاقب نمودند تا خود باستیان
مالاکف و بعضی هم داخل مالاکف شده بسیاری
از توبچی و سرباز روسی را کشتند و بسیاری
از توبها را میخکوب کردند که روسی لابد
شده از جمیع سنکرها و باستیانهای اطراف
که تیر رس این موضع دعوا بود تیرباران
کردند بدون اینکه ملاحظه سرباز خود
شان را هم بکنند که در این بین کشته میشود
وقتی که ژنرال مُنِ دید که با این اتش فشانی
ممکن نیست که نکاهداری سنکر را بکنند لهذا

حکم داد جمیع این سنکرهای تازه را خراب کردند
و انوقت مراجعت نمود که در بین راه جمعیت
زیادی از روسی جلو کرفتند ایشانهم یک حمله
دشمن را از هم پاشیده خود را بسنکرها رسانیدند
در اینمقدمه هزار و پانصد نفر روسی کشته
و زخمی شد از فرانسه ها پانصد نفر کشته
و زخمی شد در دویم ماه مارس نیکلاو امپرا
طور روسی مُرد و تمام دُوَلِ اُورُپا چنان خیال
میکردند که دیکر نزاع موقوف شده بصلح
خواهد انجامید ولی برخلاف جمیع عقاید

اسکندر امپراطور جدید باز بمثل سابق
حکم بدعوا داد و در شب بیست و دویم
ماه مارس ده هزار نفر سرباز روسی بدو
قسم شده یکقسمت بجانب همین سنکرهای
مذکور فرانسه امدند و قسمت دیکر بسمت
سنکرهای راست انکلیس انقسمتی که بسمت
فرانسه امده بودند سه مرتبه یورش اوردند
و فوج سیم زءاو فرانسه ایستادکی نموده و
کثیری از روسی را کشته تا انکه مایوس
شده مراجعت نمودند و انقسمتیکه بسمت انکلیسها

امده بودند چون از پیش از این حرکت روسی
انگلیسیها مطلع بودند دست از پا خطا
نکرده صبر کردند تا انکه دشمن بنزدیک
جان پنهان سنکرها رسید انوقت
بیک مرتبه شلیک کرده و از سنکرها
بیرون امده یورش اوردند و بسیاری را
بقتل رسانیده شکست دادند و تعاقب
نمودند تا پای دیوار سباستپل دراین
دو دعوا از روسی قریب هزار نفر کشته
وزخمی شد و از فرانسه سیصد نفر کشته

وزخمی شد و از انگلیس سی و هشت نفر
کشته وزخمی کردید روز نهم اوریل اتش
فشانی عمومی دویم را از تمام سنکرهای
قشون متحده شروع کرده و تا مدت یک هفته
از طلوع افتاب تا مغرب متصل اتشخانه‌ها
درکار بودند و بعد معلوم شد که از کمی
اتشخانه و سبکی کلوله توپها چندان خرابی
بباستیان و سنکرهای روسی نمیرسید
و اکر هم خرابی جزئی میرسید در شب تلافی
میکردند لهذا اتش فشانی عمومی را موقوف کردند

و بمثل سابق رفتار نمودند باینمعنی که فرانسه
ها کم کم سنکرهای تازه پیش میبردند و
خود را نزدیک مالاکف میکردند و انکلیس‌ها
سنکر پیش میبردند بسمت کراند ردان
و روسیها بجهة مانع شدن قشون متحده
از پیش اوردن سنکر در یک موضع چندین
کودال حفر نموده و در هر یک یک قرمپیای
کذارده که در شب وقتی که سرباز قشون
متحده کار میکردند و سنکر پیش می‌اوردند
کارکرها را با تفنک نشانه میزدند و باین واسطه

اخلال مینمودند بجهة تارندن روسی
ها را از این کودالها هر بور شب نوزدهم
اوریل دویست و پنجاه نفر از دویزیون
سبک پیاده نظام انکلیس را مامور نمودند
در ان شب اکرچه روسیها هزار نفر متجاوز
بودند با وجود این نصف این کودالها را
متصرف شدند و در شب بعد ان دیکرانرا
هم تصاحب نمودند روز نوزدهم اوریل
لارد رکلن با ژنرال کانربر و عمر پاشا
که تازه با دو ثلث قشون رومی اداوپاتریا

رسیده بود باده هزار نفر پیاده نظام و دو
هزار سواره و هیجده عراده توپ سبک
رفتند بسمت قشون روس که در اطراف
رودخانه چرنائیا اردو زده بودند و
هنوز قشون متحده نرسیده که روسی
ها از دور که دیدند بهمان حالت گذاشته
گریختند بکوههای اطراف که محال بود تعاقب
نمودن ایشان لهذا بهمان اردو برهم زدن
قناعت کرده مراجعت نمودند و تا آخر
این ماه اندولتین متحده امداد زیادی رسید

که تخمینا

که تخمینا یکصد و پنجاه هزار نفر بودند و
راه آهن هم بخوبی کار میکرد و سرباز و قشون
متحده از هیچ بابت نقصی در ملزوماتشان هم
نمیرسید **فصل نهم** در اوائل ماه مه
سردارهای قشون متحده یک رای شدند
که باید یک دسته قشونی بیک موضعی دیگر
از مملکت کریم فرستاد ولی این مطلب را مخفی
داشتند که بغیر از آنها کسی دیگر نمیدانست
صبح چهارم ماه مه هشت هزار فرانسه و
پنج هزار انگلیس در زیر اطاعت سر جارج براون

بکشتیها نشستند و چند کشتی جنگی بزرگ
و کوچک بجهة امداد همراه افتاده حرکت
نمودند و بعد از این حرکت معلوم شد که
مقصود گرفتن شهر کرچ است و بعد از اطلاع
یافتن قشون متحده از این خبر از برای تمام
قشون مامور شده شعف و سرور دست
داد که در این سفر خسارت زیادی بروسی
خواهد رسید ولی بعد از اینکه این
دسته قشون و کشتیهای جنگی رسیدند
تا نزدیکی شهر کرچ که از دور بچشم

دیده

دیده میشد یک کشتی کوچک فرانسه
عقب رسید که با تلگراف حکم رسیده
است که وزرای فرانسه این دعوا را
صلاح ندیده اند و با کمال اوقات تلخی و
افسوس قشون مراجعت نمود باین
واسطه ژنرال کان ربر سردار فرانسه
ها عریضهٔ بامپراطور نوشت که چون
وزراء خود را دخیل در دعوای
کنند مستدعی هستم که مرا از سرداری
کل معزول فرموده و واگذار بژنرال پلیسیه

بفرمایند امپراطور هم فورا قبول این
خواهش را فرموده سرداری کل را بژنرال
پلیسیه واگذار فرمود و ویزیونی که
سپرده به پلیسیه بود سپرده به کانربر
شد و بعد معلوم شد که دولت فرانسه
در خیال بوده است که این تعویض بشود
زیرا که چنان فهمیده بودند که ژنرال کانربر
قدری در دعوا سست است و حال
انکه ژنرال پلیسیه در دعواهای الجزیر
مشهور شده بود به بی باکی و بی رحمی روز

هشتم مه یک امداد خوبی از جانب پادشاه
ساردین که حال پادشاه تمام ایتالیا است
رسید پانزده هزار قشون همه جوان
های رشید کار ازموده دعوا دیده
منتخب شده ساردین بامداد قشون
متحده امدند پیش ذکر کرده بودیم که
از سمت راست و چپ قشون متحده
سنگر پیش میبردند باینمعنی که بسمت
باستیان بیدق و قرنتین سنگر پیش
میرفت و روسها هم از ان طرف سنگر

پیش می اوردند تا انکه از دو جانب زیاد
نزدیک بیکدیگر رسیدند و سرداران
قشون متحده لازم داشتند که این سنگر
های روسی را بهر نحو هست بگیرند
و بجهة این کار پانصد نفر قره میناچی
دویست نفر ملتزم رکاب و هزار و
دویست نفر زواو مقرر داشتند
و دو هزار و پانصد نفر ملتزم رکاب
و زواو را در معاونت گذاشتند و
تمام در اطاعت ژنرال دیسال بودند

و سه ساعت از شب نهم مه رفته باین
عزم بدو ستون بفاصله پانصد
ذرع بیرون شدند ستون راست
باستانی سنگری که در جلوشان بود
گرفتند و ستون چپ پیش رفتنش
زیاد مشکل بود یکی بواسطه موانع
طبیعی که در ان زمین بود و یکی بواسطه
تیراندازی بیحسابی که از سنگرهای
روسی میشد با وجود این با هزار
زحمت و مشقت خود را بجان پنهان

سنکرهای روسی رسانیدند وچهار

مرتبه فرانسه ها سنکر را تصاحب

نمودند و باز امداد بروسی رسیده

از سنکر بیرون شدند در انوقت

خبر بستون راست و بمعاون رسید

و بکمک رفتند و یورش اورده باقی

سنکرها را از روسی کرفتند بعد از

تصاحب نمودن فرانسه ها در خیال

بودند که بسمت روسی جان پنهانی

بجهة خود درست کنند که ناکاه از

اطراف اتش خانهای روسی براین سنکر

اتش فشانی کرد فرانسه ها قدرت ماندن

نداشته مراجعت کردند دراین مقدمه

از فرانسه ها هزار و سیصد نفر کشته

و زخمی شد از روسیها هزار و پانصد

نفر کشته و زخمی شده بود شب بعد

خود ژنرال پلیسیه که حال سردار کل

فرانسه ها بود در اینموضع حاضر شد

و خودش حکم جنک را داد که به سه ستون

که هر یکی مرکب از سه هزار نفر سرباز

باشد حرکت کنند در همان حین سنکر

ها را باسانی از روسی کرفتند و تا یک میل

راه هم تعاقب نمودند و باندک زمانیکه

بعقل درست نمی اید تمام این باستیانها

و سنکرها را با زمین یکسان نمودند و نه

توب و چهار خمپاره بزرک از روسی ها

کرفتند و در ان شب چهار صد نفر فرانسه

کشته و زخمی شدند و از روسی ها

هزار و شیشصد نفر کشته و زخمی شدند

قشون متحده که در اول این ماه چنانچه

ذکر کردیم جمعیتی مامور کرده بودند که شهر

کرچ را بکیرند و از این راه ایشان را بر

کردانیدند باز سرداران از این خیال منصرف

نشدند و روز بیست و دویم مئیه پانزده

هزار نفر از فرانسه و انکلیس مامور

نمودند فرانسه ها محکوم ژنرال دُتِ

مار و انکلیس ها محکوم سر جارج برُوَن

وقتیکه این قشون نزدیکی شهر کرِچ

رسیدند روسیها هرچه قورخانه داشتند

اتش زدند و باروط بر سنکرها ریخته اتش

دادند بقسمیکه یک سنکر درست بر
جا نماند و تمام سرباز و قشون فرار
نمودند و بعد هم که قشون متحده داخل
شهر شدند هرچه اذوقه بود یا اتش
زدند یا بدریا ریختند تا سه روز بعد
ازاینمقدمه کشتیهای جنکی قشون متحده
سیصد کشتی تجارتی روسی را که تمام اذوقه و
بار داشتند کرفته اتش زدند مختصر
انکه این قشون و این کشتیهای جنکی اذوقه
و قورخانه سه ماهه صد هزار قشون

روسی را تلف کرده مراجعت نمودند
روز ششم ماه ژوان فرانسه ها با
سیصد توپ و خمپاره و انکلیس ها با
صد و پنجاه و هفت توپ و خمپاره اتش
فشانی عمومی سیم را از دو ساعت بعد
از ظهر الی عصر روز بعد لاینقطع کردند
و عصر روز هفتم هم فرانسه و هم انکلیس
یورش معظمی بر روی دو نقطه بردند
انکلیس ها بسمت موضعی که انرا معدن
می نامیدند که مرکب بود از چند چاله

کودال واقع در پین سنکرهای انکلیس و
کراندردان و فرانسه ها بسمت تپهٔ
کوهی که انرا ماملن میکفتند که واقع بود
درمیانه سنکرهای فرانسه و باستیان
مالاکف و هم بر روی این تپه و هم در
میان ان معدن روسی ها سنکر
ساخته بودند و کودالهای زیاد و
در هر یک قره میناچی قرار داده بودند
تعداد فرانسه ها دو هزار نفر که با
طاعت ژنرال بسکه بودند مامور این

خدمت شدند و از انکلیس ها هزار و
دویست نفر که باطاعت کلنل شرلی
بودند فرانسه ها بیک مرتبه یورش
اوردند و ریختند بر روی این سنکرهائی
که واقع در بلندی بودند و از ان جا
دشمن را سرازیر کرده تعاقب نمودند
بعد امداد بجهة روسی رسید برکشته
فرانسه ها را دوانیدند بر بالای
بلندی و از انطرف سرازیرشان کرده
دوباره مالک سنکرهایشان شدند

ولی ژنرال بسکه کسی نبود که تحمل این
شکست وا بکند لهذا جمع آوری خود را
کرده و امداد هم از افواج دیگر باو رسیده
یورش آوردند و سنکر بسنکر پیش
رفتند و روسی را عقب نشانیدند
تا انکه از سنکر آخری روسی ها
فرار کردند انوقت دشمن را تعاقب
نمودند تا خود مالاکف و بمثل دفعهٔ
دیگر که ذکر شد بعضی از سرباز فرانسه
داخل مالاکف هم شده و چند توپچی را

کشته

کشته و توپ ها را میخکوب کرده مراجعت
نمودند و بعد بر روی همان تپه از برای
خودشان سنکر ساخته تصاحب نمودند
اما انکلیس ها که بسمت معدن رفته
بودند بدون انکه مقاومتی از جانب
روسی ها بشود معدن را تصرف کردند
و از انجا تجاوز کرده بسمت باستیان
کراند ردان رفتند و با مقاومتی
ندیدند ولی اینقدر جمعیت نداشتند
که ان باستیان را بگیرند و معلوم

شد که روسیها در ان حین مشغول فرانسه
ها بودند و از این سمت غافل شده بودند
ولی تا وقتیکه فرستادند که امدادی
بجهة انکلیس ها بیاید روسیها دعوای
شان با فرانسه ها تمام شده متوجه این
نقطه شدند و استعداد کاملی باین
سمت فرستاده بودند و بر بالای
انکلیس ها یورش آورده پس نشانیدند
حتی انکه معدن را هم پس گرفتند باز انکلیس
ها جمع آوری کرده یورش آوردند و

برحمت

برحمت و مشقت زیاد یک جای پنهانی
از برای خود ساختند و معدن را مالک
شدند در این روز از این دو یورش
چهار هزار نفر از روس کشته و
زخمی شد و از فرانسه شصت نفر
صاحب منصب و دو هزار نفر سرباز
کشته و زخمی شد و از انکلیس ها
سی و پنج نفر صاحب منصب و سیصد
و شصت و پنج نفر سرباز کشته
و زخمی شد و این دو نقطه را که حال

کرفتند از برای قشون متحده بسیار
معتبر و مفید بود و فورا مهندس
فرستاده و سنکرهای محکم در این
دو موضع ساختند و توپهائیکه در
این مواضع از روسی باقی مانده بود
بسمت خود روسی بر کردانیدند ده
روز بعد از اینمقدمه لارد رکلن
و ژنرال پلیسیه باهم مشورت
کردند و قرار کذاشتند که یک یورش
بزرکی بیاورند انکلیس ها بسمت

کراند ردان و فرانسه ها بسمت مالا
کف باین نحو که روز هیفدهم ژوئن
از صبح تا شام اتش فشانی عمومی از تمام
سنکرها بشود و روز بعد هم دو ساعت
اول صبح را باز اتش فشانی بشود و بعد
موقوف نموده فی الفور یورش بیاورند
و بنا بر این قرار روز هیفدهم اتش
فشانی عمومی را کردند ولی در شب
ژنرال پلیسیه بلارد رکلن پیغام داد
که من صبر نمیکنم که فردا باز اتش فشانی

بشود و انوقت یورش ببریم از همان
صبح زود بنای یورش را میکذاریم
لارد رکلن در تعجب ماند زیرا که قانون
دعوا اینست که هر خرابی که بواسطه
اتش فشانی در روز بهم میرسد در
شب تعمیر میکنند و اندو ساعت
شلیک صبح را بجهة ان قرار داده بودند
که قدری خرابی هم میرسد و بعد که یورش
بیاورند فرصت تعمیر نکنند ولی چون
پیغام ژنرال پلیسیه بود لارد رکلن

لابد قبول نمود و اما قرار یورش را
ژنرال پلیسیه باین نحو داده بود که
بیست و پنج هزار نفر بسه ستون
بشوند یکی از این سه ستون که محکوم
ژنرال ماییران بود مامور شد که
یورش را باخر چپ قشون روسی
بیاورد و ستون وسطی که محکوم
ژنرال برونه بود یورش را بسمت
چپ خود مالاکف بیاورد و ستون
سیمی که محکوم ژنرال دوتمار بود

یورش را بسمت راست خود مالا
کف بیاورد و بجهة اخبار که همه یک
دفعه یورش ببرند نیز قرار داده
بود که هر وقت سه تیر هوا از باستیان
توب لان کاستر که در بالای بلندی
واقع شده بود و خود ژنرال پلیسیه
در انجا بود انداخته شد باید یکدفعه
از همه جا یورش ببرند و از کم بختی
ژنرال های ران پیش از وقت ماسوره
کلوله خمپاره در هوا بنظر اوردو

چنان خیال نمود که نشانه اخبار است
فورا حکم یورش داد و روسیها ازاین
یورش عمومی مطلع شده بودند و تدارک
خود را دیده بودند و هر چه استعداد
و قشون که لازم و ممکن بود در سنکرها
جمع کرده و کشتی های جنکی را هم هر
قدر که ممکن بود نزدیک بجنکی اورده
بودند و چنان نشانه کرفته بودند
که جمیع کلوله توب و خمپاره در موضع
یورش می افتاد بمحض اینکه فرانسه های

ستون های ران از سنکر بیرون
امدند که اتشخانهای سنکرها و کشتی
های روسی بنای اتش فشانی را کذاردند
و ژنرال های ران که در جلو قشون
میرفت در ابتدا کشته شد و با
وجودیکه ژنرال پلیسیه امداد فرستاد
بان از شدت اتشخانه روسی نمی
توانستند قدمی پیش بروند همین
قدر بود که از همان موضع بعقب نمی
امدند و ستون وسطی هم بحالت ستون

اول یعنی که ژنرال برونه بمثل ژنرال
های ران که در جلو میرفت کشته شد
و اینقدر از مالاکف و اطراف کلوله
بر سرشان ریخت که محال بود قدمی پیش
بروند همین قدر کردند که مراجعت
نمودند و نکاهداری سنکر خود را کردند
و باعث همان سهوی بود که ژنرال های
ران کرده بود و پیش از وقت دست
بکار شده بود و روسیها خبر شده
انچه لازم بود جمع اوری قشون در هر

موضع واجبی کرده بودند و باین واسطه
بود که ستون دوم کاری از پیش نبرد
ولی ستون سیم بدون اینکه در یورش
زیادی از سرباز کشته شود ملاکف را
گرفتند و بیدق فرانسه را بلند کردند
وقتی فرانسه ها در این سمت دعوا را
باینگونه میکردند انگلیسها نیز بسه ستون
که تمام محکوم ژنرال سرجارج برون بودند
بسمت باستیان گراندردان یورش بردند
ستون اول که از افواج دویزیون سبك

بودند قرار داده شد که بسمت راست
گراندردان یورش ببرند و ستون دوم
که از افواج دویزیون چهارم بودند
بسمت چپ گراندردان یورش ببرند
و ستون سیم که از افواج دویزیون
دویم بودند یورش را روبروی گنبه
باستیان گراندردان بیاورند ولی
چون زمین اطراف باستیان مسطح
نبود و شکستهای زیاد داشت وسرباز
بسرعت نمیتوانست حرکت کند و از

باستیان و اطراف تیرباران میکردند
لابدا هر سه دسته مراجعت نمودند
و دران روزگاریکه از پیش برده شد
وقدری انگلیسها را از جرم بیرون اوردند
این بود که لارد رگلن حکم داد بژنرال
ایرکه تا دویزیون سیم بسمت باستیان
های قبرستان سواستپل یورش ببرند
و با کمال سهولت این یورش را برده و سنگرها را
گرفتند در این بین یك فوج از سایر پیشتر
رفته بود و داخل خود سباستپل شده

بود بعد پیغام فرستادند که امداد بفرستید
تا انکه شهر را تصرف کنیم ولی چه پیغام بر
در بین راه کشته میشد و چه اگر هم میرسید
چون مشغول جاهای دیگر بودند نمیتوانستند
امداد بدهند لهذا از پیش از طلوع افتاب
تا دو ساعت از شب رفته تشنه و گرسنه
در خود شهر سباستپل ماندند که بلکه امدادی
برسد بعد که مایوس شدند لابد بدون متی
مراجعت نمودند این شکست انگلیسها باعث
شد که روسها از گراندردان و از سایر جاها

هر قدر که توانستند امداد فرستادند و بزور
و کثرت زیاد فرانسه‌ها را از مالاکف بیرون
کرده دوباره متصرف شدند این شکست
امروز از اوّل و آخر شکستی بود که بقشون
متحده خود دو باعث آن خبطی بود که ژنرال
بلیسیه کرده زیرا که موافق آنقرار داد اوّل
رفتار ننموده بود و باین واسطه روسی
فرصت کرده تدارک خود را دیده بودند
از جملهٔ تعجبات روزگار این بود که در
چنین روزی که هیجدهم ژون باشد فرانسه‌ها

وانکلیس‌ها دعوای مشهور بواترلو را در
عهد ناپلیان اول باهم کرده بودند و بایکدیگر
چنان دشمن بودند که در تمام تواریخ ثبت است
وامروز باهم بمثل برادر دست بهم داده این
دعوای باین عظمت را کردند در این روز
از انکلیس‌ها سی و یک نفر صاحب منصب و
دویست و سی نفر سرباز کشته شد و هفتاد
نفر صاحب منصب و هزار یکصد و سی نفر
سرباز زخمی بود و بیست و دو نفر مفقود گردید
و از فرانسه‌ها علاوه بر اینها زخمی و کشته شد

و از روسیها از همه بابت زیاده از سه هزار
نفر کشته و زخمی شده بود تا ده روز بعد از
اینمقدّمه که روز بیست و هشتم ژون باشد
لارد رکلن بواسطهٔ ناخوشی حالی که داشت
و سواری زیادی که در این روز دعوا کرده
بود و غصّه شکست خوردن مذکور بستری
شده بود و در روز بیست هشتم مرحوم
شد و سرداری کل قشون انکلیس بژنرال
سیمسن تفویض شد **فصل دهم**
در ابتدای ماه ژولیه وضع اردوی قشون

متحده باین نهج بود فرانسه‌ها در سمت راست
و چپ اردو سنکر پیش برده در سمت چپ
نزدیک باستیان قرنتین و بیدق رسیده و
در سمت راست نزدیک مالاکف سنکرها پیش
برده بودند و در وسط انکلیس‌ها بسمت کراند
ردان خط حمله خود را بسیار نزدیک کرده بودند
نصف قشون فرانسه محکوم ژنرال کانربر
با تمام سواره نظام انکلیس و مسطح مابین رود
خانه چرنایا و بالاکلاوا اردو زده بودند
و قشون رومی محکوم عثمان پاشا زیرا که عمر

پاشا را باسلام بل خواسته بجهة محاصرهٔ
شهر فارز با قشون سارد از رودخانهٔ
چرنایا گذشته در نزدیک قریهٔ چارقوم
اردو زده بودند و حال در سنگرهائیکه
محاصرهٔ سباستپل را کرده اند تقریبا صد
هزار نفر از قشون متحده بود و تقریبا صد هزار
نفر دیگر که در اطراف اردو زده اند حاضر
دعوا هستند که در حین لزوم جواب بدهند
در دو ماه ژولیه و او قشون متحده تدارک
آتش فشانی عمومی را دیدند که تا بحال در هیچ عهدی

باین شدت و عظمت اتفاق نیفتاده است
خمپاره هائیکه تا بحال باین بزرگی دیده نشده
با قورخانه بیحسابی در سنگرها حاضر نمودند
روسیها هم در این مدت بیکار نماندند یک
پلی از لنگه ها بر روی بندر سباستپل ساخته
و شب و روز بالاستمرار قورخانه و توب
و غیره را اندارک دیده بساخلو سنگرها
میرسانیدند صبح شانزدهم اوت پیش از طلوع
آفتاب آن قسمت قشون روسی که در بیرون
شهر اردو زده و محکوم خود برنس گرچگاف بودند

از کوه های انطرف چرنایا بزیر آمده با صد
و شصت عرّاده توب بسمت دو پل
آن رودخانه که بزرک ترش را تراک تیر
می نامیدند حرکت نمودند ژنرال پلیسیر از این
حرکت روسی دو روز قبل مطلع شده تدارک
خود را دیده بود بتاریکی صبح روسیها
از پل کوچک ترود شده بر سر فرانسه ها ریختند
ولی ایشان که مهیّا بودند در اندک زمانی
آنها را شکست داده برگردانیدند بعد باز
روسیها انکار نکرده ایندفعه از پل تراک

تیرود شدند و با رشادت تمام بر سر فرانسه
هائیکه در وسط واقع بودند ریختند ایشان هم
ایستادگی کرده واندکی نکشیده که شکست دادند
و کشتار بیحسابی از روسی کردند باز روسیها
مایوس نشده جمع آوری خود را کرده و از پل تراک
تیررود شده ایندفعه یورش را بسمت راست
فرانسه ها و قشون سارد آوردند و باز بمثل
دو دفعه اوّل شکست خوردند و قتمغ ب
که شد بعقب نشستند و مراجعت نمودند
تقریبا سه هزار کشته روس بر روی زمین مانده

بود که فرصت بردن کشته ها را ننمودند و
همراه خودشان پنج هزار نفر زخمی برده بودند
قشون متحده در این دعواسی و سه نفر
صاحب منصب و هزار و ششصد و بیست و
شش نفر سرباز زخمی و چهارصد نفر سربازان
سالم از قشون روسی اسیر کرده بودند از
فرانسه ها نه نفر صاحب منصب و یکصد و
هفتاد و دو نفر سرباز کشته و شصت
و یک نفر صاحب منصب و هزار و صد
و شصت و سه نفر سرباز زخمی و یکصد و

چهل و شش نفر مفقود الاثر شد و از قشون
سارد ژنرال کنت و منت و کستی و دویست
و پنجاه نفر کشته و زخمی شد صبح چهارشنبه
پنجم ماه سبتامبر ۱۸۵۵ مسیحی از تمام باستیان
و سنکرهای قشون متحده در مدت سه
روز بدون انفصال شب و روز چنان
آتش فشانی کردند که تا امروز چنین چیزی
دیده نشده همین قدر و صبری که میکردند این
بود که توپی که زیاد گرم میشد سرد شود ژنرال
لورد رز در این باب بامپراطور روس عریضه

عرض کرده بود باین مضمون که مدت
سه شبانه روز آتشی بر سر ما بارید
که کویا بابی از جهنم بروی ما کشوده بودند در
این آتش فشانی ضرر کلی بروس رسید چه
از بابت خرابیهائیکه بسنکر رسیده بود
و فرصت تعمیر کردن نداشتند و چه در
این بین چند قورخانه آتش گرفته بود و چه
بسیاری از سرباز و توپچی و غیره را کشته بود
ژنرال پلیسیه با ژنرال سیم سن قرار داده بودند
که روز هشتم ماه سبتامبر یورش کلی بیاورند

درابتدا فرانسه ها شروع کنند و یورش
بسمت مالاکف بیاورند اگر مالاکف را
تصرف کردند انوقت انگلیس ها بسمت کراند
ردان و فرانسه هائیکه آخر چپ اردو بودند
بسمت باستیانهای قرنتین و بیدق یورش
بیرند و موافق این قرار در عین ظهر
که ژنرال ماک ماهن دویزیون خود را حرکت
داد و حکم یورش را کرد که سرباز بیک مرتبه
بسمت بلندی حرکت کردند و مالاکف را که
کلید شهر سباستپل بود تصرف نمودند

وبجز یک نفر که کشته شده بود ما بقی را الی
عارض نشده و روسیها مکرر یورش اوردند
که فرانسه‌ها را از مالاکف بیرون کنند
نشد و بجائی نرسید انوقت حکم داده شد
که انکلیسها و مابقی فرانسه‌ها یورش بیاورند
انکلیسها که باید بسمت کراندردان یورش
بیاورند و چنانچه ذکر کرده بودیم که زمین اطراف
این باستیان شکسته زیاد داشت و عبور
باسانی نمیشد باوجودیکه مسافت سنکهای
انکلیس با این باستیان بیش از دویست و پنجاه

ذرع نبود باز در یورش بسیاری از سرباز
انکلیس کشته شد تا انکه خود را بخندق ریختند
و نردبانی که اورده بودند کوتاه بود باز بهر نحو
بود پشت به پشت بالا رفتند و تقریبا هزار
نفر داخل باستیان شدند ولی روسیها از
بابت مال بینی که داشتند یک سنکری در
توی ان باستیان ساخته بودند با این هزار
نفر ممکن نبود که ان سنکر را بکیرند و هر قدر
ادم فرستادند بجهة امداد در بین راه کشته
شد تا انکه خود کل نل وبندم رفت که امداد بیاورد

ولی هنوز او نیامده این قلیل سربازها خود
داری نکرده لابد باستیان را تخلیه کردند و بسنکر
خود مراجعت نمودند و فرانسه‌ها هم در ان نقاط
های دیکر که مامور شده بودند کاری از پیش
نبردند و چون شب شد خبر کردند که روز
بعد انکلیسها با جمعیت زیادتر یورش بکراند
ردان ببرند ولی هنوز صبح نشده بعضی از سرباز
که در خفیه رفته بودند بجستجوی زخمیها دیدند
که کراندردان تخلیه شده است و قلیلی هم
نکذشته از محلات شهر دیده شد که خانها

اتش کرفته است و سربازهای روسی متصل
از روی پلی که در روی بندر ساخته بودند
بدون نظام فرار میکنند و زیر تمام سنکرهای
قدیم را باروط ریخته اتش زدند و تمام
کشتیهای جنکی را نیز اتش زدند بواسطه
این موانع نشد که این فراریها را تعاقب
نمایند در این یورش اخر از انکلیس بیست
و نه نفر صاحب منصب و سیصد و
پنجاه و شش سرباز کشته شد و یکصد و
بیست چهار نفر صاحب منصب و هزار

وهفتصد و شصت و دو نفر سرباز زخمی
شد و یك نفر صاحب منصب و یکصد و
هفتاد و پنج نفر سرباز مفقود شد که مجموع
از قشون انکلیس دو هزار و چهارصد و چهل و
هفت نفر کشته و زخمی و مفقود شد و از
قشون فرانسه پنج ژنرال کشته و ده ژنرال
زخمی شد و یکصد و چهل نفر صاحب منصب کشته
و دویست چهل و چهار نفر صاحب منصب زخمی و
ده نفر صاحب منصب مفقود و یك هزار و چهار صد
و هشتاد و نه نفر سرباز کشته و چهار هزار و

دویست

دویست و پنجاه و نه نفر سرباز زخمی و هزار و
چهارصد نفر مفقود شد که جمع کشته و زخمی و
مفقود فرانسه هفت هزار و پانصد پنجاه و یك
نفر بودند از روز دعوای پل تراك تیر
تا آتش فشانی عمومی اخری هیجده هزار نفر از قشون
روس تلف شده بود با این تفصیل شهر
سباستپل مفتوح شد و محاصره اش قریب
یك سال طول کشید و از طرفین از ابتدا تا
انتها بیشتر از صد هزار نفر چه از ناخوشی و چه
در دعوا تلف شد قشون متحده در این چهار آتش

فشانی عمومی تقریبا هشتصد توپ بزرك در
سنکرها داشتند و از این هشتصد توپ
بزرك سه کرور و یکصد هزار کلوله انداخته
شد و هرکاه تمام سنکرها که قشون متحده
در اطراف سباستپل ساخته بودند
بخط مستقیم در پهلوی یکدیگر میکذاشتند
چهارده فرسنك طول الخط مستقیم می شد

قد تمت فی شهر ذیقعده

سنه ۱۲۸۶

تاریخ مولود نواب اشرف والا [illegible] عباس
میرزا دام عمره دلبراجند بندگان حضرت
مستطاب اشرف ارفع امجد اسعد والا آقای
حشمة السلطان دام اقباله العالی در یوم سه‌شنبه
دوم شهر جمادی الثانی فی سنه [illegible] حضرت
دلیل ساعت مشتری [illegible] باسعد
در سنه هزار سیصد بیست چهار من الهجره
[illegible] مبارک [illegible]
[illegible] رفیع ۱۳۰۲ [illegible]


دریای قره دکز